

كتاب يمان تازة فداوند وراننده ما عيسي مسيم که از لسان اصلی یونانی بفارسي ترجمه كروة افضل الفضلآ المسجيد هنری مارتن کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لَنَدُنْ محروسه باعانت مجمع مشهور به بَیَبَلْ سوسیّیتی کرت سیّم بدار الطباعه بنده کمترین رِچارد واطس انکلیسی مطبوع کردید

من الما

NEW TESTAMENT

OF

OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK, into persian,

BY THE

REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:

PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,

IN THE YEAR

1837.

فهرست این کتاب مقدس

رساله وريم بولس بتسلنيقيان . 503	
رساله ٔ اوّل پولس بتيموڻيوس 507	-
رساله وريم پولس بتيموثيوس 516	-
رساله ٔ پولس بنیتوس 522	
رسانه پولس بفليمون 526	1
رسالهٔ پولس بعبریّان 528	:
رساله عام يعقوب حواري 552	
رساله عام اول پطرس حواري 561	100
رسانه عام دويم پطرس حواري . 570	
رساله ً عام اوّل يوحنّاي حواري . 576	
رساله عام ثاني يوحنّاي حواري . 585	
رساله علم سيم يوحنّاي حواري . 586	
رساله عام يهوداي حواري 587	
كتاب مكاشفات يوحنّاي الهي 590	

	انجيل متّي آغاز ميكند در
1	صعيفة
	انجيل مرقس
135	انجيل لوقا
221	انجيل يوحنّا
288	كتاب اعمال حواريان
371	رساله ولس حواري باهل روم .
105	رساله عواس حواري باهل قرنتُس.
	رساله وريم پولس حواري باهل
137	قونتُس ٠٠٠٠٠٠٠
459	رساله پولس حواري بكلتيان
	رساله ٔ پولس حواري بافسسيّان .
481	رسالة ولس حواري باهل فيلبي
	رساله ٔ پولس حواري بقلُسيان .
	رساله أول پولس بتسلُنيقيّان .

نامة أول يولس بتسلنيقبان

بولس وسيلوانس ونيمونيوس بالكيسماي تسلنيقيان كه ورخداى بدر وعیسای مسیم حذاوند است رمیخواهند که فضل وآرام از جانب بدر ما خدا وعيساى مسيم خدا فد برشما إو * وبعد ما بيوسة ور ارهٔ جمکی شما خدارا شکر میکزاریم دور دعایی خود شمارا وکر ٣ ميائيم * ويبوسة كار ا يان ومعنت معبت وصبر ورامير فداوند عیسای مسبیر که ورشما میباشد درو فدا وپدر خود باو می آریم * که ای براوران محبوب میانیم که شما بر کزیده کان خدائید * رواک مروهٔ ما ورمیان شما مجرو کلام نبود بلکه با قوت وروم القدس واعقاد صحيح بور چنانچه نور ميانيد که چکونه ورميان مشما بسبب شما میبوویم * وشما بارا وفدا وبدرا تبعیت نمودید از آنجا که کلامرا ور هنكام الم بسيار بخوشوقتي روح القدس يافتيد بحدير شما جهدت تأمی مومان ور مقدونه وافائه نمونه میبودید * که آواره

اوَل بتسلنيقهاِن * ١ * ١ *

کلام خداوند از میان شما نه بتنهائی در مقدونی وافائیه بسجیده است است بلکه ایان شما نسبت بخدا در هر جا مشهور شده است بخدا در هر جا مشهور شده است به بحدید معتاج بحرف زون ما نیست * ارآنجا که ایشان خود در بارهٔ ما خبر میدهندکه چه نوع مرخلیت نزوشما واشتیم و بحه نوع از بنها بسوی خدا بر کرویدبدکه خدای حی حقیقی را نبده کی نائید به ویسرش را از آسمانها منتظر باشیدکه اورا از مروه کان برخیزانید بعنی عیسی که ما را از غضب آینده میراند

باب دويم

ای براوران شما خود میدانیدک مرفلیت ما ورشما عبث نبود * بلك هرچند عذاب ورسوائي كشيره يوريم ور فيلهي چنانچه میدانید بار در خدائی خود جرأت بهم رسانیدیم که بمژوهٔ خدا به بکوشش نام نروشما تکلم نائیم * که استدعای با از روی مکر یا تغلّب يا ريا نبوو * ملك چنانچه منظور فدا ميباشيم كه امين مروه باشيم بهان طور حرف ميزايم وفلق الخوش آمد نميوتيم بلكه خدائی راکه ولهای ما را می آزماید * زیراکه هرکزسخن تملق نمی كفتيم چناچه فوو ميدانير نه بهانة طمع واشتيم چناچه فدا كواه است و ونه عرب از خلق را طالب بوديم ونه از شكما ونه از ويكرانرا با وجود آنکه مارا جایز بود که بر ویران بار باشیم از آنرو که رسولان مسيج بوديم * بلكه بملايمت ورمبان يشما بسر ميبرويم بطوريك وايد اطفال خودرا مي برواند * ما نيز از اشتباق بشما راضي بوديم ك واوه باشیم بشما نه جمین مروهٔ خدائیرا وبس بلکه جانهای خوورا نيز زيراكم أرا محبوب مي يوديد * چشما خود اي براوران ياد

أول بتسلنيفان * * *

واربير محنت ومشقت ماراكه شب وروز بشغل مشغول ميبوري كم مباوا براحدى ازشا باربوده باشيم وشمارا ندا بمردة ١٠ فدا ميموريم *شما خور شاهديد وفدا نيزك بچه زهد وعدالت اا ونیک نامی نروشها متومنان میبودیم * چنانچه شها خود واقفید که چون بدر فرزندان خودرا هربک از شمارا نصیحت و پند مشمودیم ۱۱ * ہموارہ میکفتیم که بنوع لایق آن خدائی که شمارا بملکوت وجلال ١٣ خود خوانده است رفتار نائيد * أزين روست كم ما بيوسة فداراً شکرمفائیم که چون آن کلامی را که از ما شنیدید که کلام فداست چون كلام خلقش نبزيرفند بلك چناچه في الحقيقت ميباشد ١٨ كلام خدايش باعتبيرك شما مومنازا مؤثر است * أرانجاك شما اي براوران پیرو کلیسیایی خدا که ور مرزو بوم بروریه ور مسیح عیسی مياشد شديد ريراكه كشيريدشا از قوم خور آن عزابيراك ٥٠ كشييند آنها از بروو * كه عيساى خداوند وينغمبران خوورا بقتل رسانیوند وارا زخمت واوندک ور رضاجوئی فدا نیستند وهم ١١ خلق رأ نيز مخالف مفايند * وارا منع مفايندك با قبائل بحبهت نجات ايشان حرف فرنيم تاآنكه پيوسة معاصي خوورا ۱۷ بانتها رسانند ومنتهای غضب برایشان رسیده است * وما ای براوران که چندی ظاهراً نه قلبًا ارشما مهجور کشتیم بشوق ۱۸ بسیار زیاره کوشیریم تاکه روی شمارا به بینیم * وبدین جهت می خواستیم که بنروشا آمره باشیم یعنی من که بولسم یک مرتب ١٩ بلكه مكرر ليكن شيطان مارا مار مي واشت * زيرا كه چيست اميدا ياسروريا الوفخرا يكسائي باشيدارو فداوند ماعساي

اول بسلنیقان ۴ ۳ ۳ ۳ مسیم وقتی که آبد ۴ بررستی که شما هستید جلال وسرور ما باب ستیم

پس چون ویر متحمل جدائی نمی توانستیم شد راضی شدیم ٠ كه تنها ورانسه الده باشيم * وتيمثيوس راكه براور ما وفاوم خدا وور الحيل مسبع هم بيشة ماست فرستاويم تأ آنكه شمارا استوار سازو وشمارا ور خصوص ا بان شما خاطر جمع نابد * كه بيج كس ازین مصائب متخرک نشود که شما خود میانید که برای جمین م مقرر شده ايم * وچون إشما بوديم بيش شمارا مي كفتيم كه زحمت ه خواهيم كشيد وچنين شد چناچيشما خور ميدانيد * لهذا من دير شكيبائي كارده فرستاوم تا ايان شارا تحقيق نايم كم مباوا ممتحن شمارا امتحان نموره باشد ومحنت ما بيهوره شده باشد * * ليكن النحال چون تيمونيوس از ريش شما با آمره ومزدهٔ ايان ومحبت شمارا ما رسانيد واينكه شما پيوسته بخوبي ور وكرما مي باشير وملاقات مارا شايق من باشير *چنانچه* ما مشتاق شمائهم *لهذا ای براوران باوجود مهة مصیبت ونا خوشیهای خور ارشما بسبب ايان شما تسلّى مافتيم * يعنى حال زنده هستيم أكرشما ور خداوند بايدار باشيد * وا چامقدار خدارا شكرمي توانيو نمود ۱۰ بجبهت آن مهم سرور که بعلت شما نزد خدای خود داری * وشب وروزبي شمار استدعا مفائيم كه شمارا ملافات نموده ناتاميهاى " شمارا ورا بان قام فائيم * خود خدا وبدر ما وخدا فد عيساى مسيح ١١ راه مارا بسوى شما عايد وفداوند شمارا اين عطاكندك ورمحب نسبت ميدير وممكى ترقى وافزوني بيدا كنير چنانچه ما نسبت

اول بتسلنيقيان * ٣ * ٣ *

۱۰۰ بشما ۱۰۰ آنکه ولهای شمارا استوار سارد در تقدس نرد فدا دپدرها در هنگام آمدن فداوند ما عیسای مسیح با جمکی مقدسانش

باب چهارم خلاصه ای براوران از شما ستوال می کنیم واستدعا می نائیم جهت فاطر عيساى فلاوندكه چنانجه از ما فرا كرفتيركم چانحو رفتار غائمیر وخدارا رضاجوئی کنید برآن افزائید * زیراک شیما خود ميرانيدكه چه احكام داويم شما را از قبل عيساى خداوند چه خواهش ۴ خدا در تقدس شما اینست که از زنا خورواری ناتید و راینکه هرکس از شما بداند که بچه نوع بدن خوورا منزه و محترم نکاه وارو * نه ورآ رزوي شهوت چون قبائل كه فدارا نمي شناسند * وايك ور ایج امرتعدی ووست اندازی نسبت بیراور خود نائیرک فداوند از نامی آین چیزا انتقام مناید چنانچه بیشتر ما بشما کفتیم · ويدوسته شهاوت وأوم * أرآنجاك نخوانده است فدا مارا بنا يكي م بلکه بسوی تقرس * لهزا آنکس که تحقیر می ناید خلق را تحقیر نمی المدربلكة آخرائي رآكه روح مقرس خوورا باعنايت فرموده است * وور خصوص محبت براوری احتباج نیست که من بشما بنویسم ١٠ زيراك شما خورمحب يكريررا از خدا آموخة ايد * وچنين مي نائيد نسبت اتامی براوران که ور تامی مقدونی میباشندای براوران " ازشما استدعا مي نائيم كه برآن بيفزائيد * وطالب باشيد اين عرت راکه آرام واشته ور کار خود مشغول باشید وبدستهای خود ١٠ چنامچه شمارا مقرر نمووم بكار بروازيد * تا آنكه بطور نيكوئي ورنظر ١٠٠٠ فارجيان ريست كنير واحتمام بهيكس نداشة باشير واي

اوَل بنسلنيقيان * ۴ * ٥ *

براوران معنواهم که شما از مرده کان بهنجر باشید مباوا چون
۱۷ ویران که امید ندارند نم خورید * زیراکه اکر باور کرده ایم که عیسی
مرو وبرفاست بهین طور خدا آن اشخاصی را که ورعیسی خوابیده
۱۵ اند باوی خواهد آورو * واین را از کلام خداوند میکوئیم که ما زنده
۱۹ * که خداوند خوو در آنی بآواز رئیس المملائک وصور خدا از آسمان
۱۲ * که خداوند خود در آنی بآواز رئیس المملائک وصور خدا از آسمان
۱۲ نازل خواهد شد وآنانی که در مسیم خوابیده اند اول خواهند
۱۷ نرفاست * وبعد از آن ماکه زنده وباقی مانده باشیم با آنها با برا
کشیده خواهیم شد تاکه خدا وبدرا ملاقات نائیم در هوا ویس بهواره
۱۸ با خداوند خواهیم بود * لهذا میدیردا باین سخن فاطر جمع نائید

ا ای براوران ور بارهٔ زمانها وفصلها احتیاج ندارید که چیزی بشما وفصلها احتیاج ندارید که چیزی بشما و نوشته شوو * زیرا که شما خود بقین میدانید که روز خدا وند چون ورو و قدت هلاکت ناکههانی آنها را فروخواهد کرفت چون وروزه زن ما حامله را ورستکاری نخواهند یافت * لیکن ای براوران شما ور ه ناریکی نمی باشید تا آنکه آنروزشما را چون ورو بینک آرد * شما به بهمه فرزندان نور فرزندان روزید وازشب وتاریکی نیستیم * پس باید که خوان ویکران بخواب نرویم بلکه بهدار وهشیار باشیم * از آنکه آنور شباشیم باید هشیار بوده چهار آئیت میشوند * لیکن ما که از روز میباشیم باید هشیار بوده چهار آئیت و ایان و محتی را دور امید و خوات را بوشیده باشیم * که خدا

اول بسلنيقيان * ٥ *

مارا معين نكروه است برغضب بلكه عبهت تحصيل نجات ۱۰ بوساطت خداوند ما عیسای مسیم یک در راه ما مروکه خواه میدار ا وخواه خوابيره باشيم جمراه او زنده كرويم * پس جمديكررا فاطرجمع ١١ كائيد ويكديررا تعمير لمائيد جناجه حال مي نائيد * واي براوران ارشها استدعا مفائيم كه آناني راكه ور ماينه شما بنعب كرفتارند وبيشوا بإن شما ور فداوند ميباشند وشمارا نصيعت مي نايند ۱۰۰ التفات عانبير * وأنهارا با نهايت مهرباني عرير وأربد بسبب ۱۰ عمل آنها واهم ور مقام صلح باشید * وای براوران ارشا استدها مفالیم که سرکشانرا نصیحت نائید ویی جرآنانرا تسلی وصير وضعفارا معاونت نائير ونسبت بهمكى ورمقام حلم باشيد ۱۵ * وبا حذر بوده که کسی با کسی در مکافات مدی بدمی کنائی مبلکه ١١ وايم وربي خوبي با يكريكر وبا جمه باشيد * وجمواره شاوبان باشيد ١٨ * ويوسة بدعا مشغول باشيد * وور هر امرشاكر باشيركم اينست ١٩ خواهش فلا ور حق شما ور مسيم عيسي * روح را فاموش فاتيد ٢١ * نهوتها را حقير مشماريد * هرچيز را آرموده بآجه خوبست تسك جوتيد ۳۷ * از هر بدنائن پرهیز نائید * وخود خدای آرام شمارا بالکلیه مقدس سازو وجملة شمارا از روح واز نفس واز بدن معفوظ وارد که ور ۲۲ مرن خداوند ما عیسای مسیح بی عیب باشید * امین است ه، آنکه مارا خواند واوست که جا خواهد آورو *ای براوران ور ٢٠ حق ما وعا غائيد * ويمكي براوران را ببوسة مقدس سلام رسانيد ۲۰ وشارا بخداوند سوكند ميرهم كه اين مكتورا برجمكي براوران ٨٨ مقدّس بخوانيد * توفيق خدا زيد ما عيساي مسبح إشما أو آمين

نامة رويم بولس حوارى بتسلّنيقيان

باب أول

ا بولس وسيلوانس وتيمونيوس بكليسياى تسلُّنيقى كه ور ميرر ما ا خدا وعيساي مسيح فداوند ميباشد ارميخواهند كو فضل وأرام ۳ از جانب پور ما خدا وعیسای مسیح خدا فد برشما باو ۱ ای راوران بر ا واجبست كه بجهت شما وايم فدارا چناچه سزاوار است شكر كذاري غائيم ار آنجاكه أيان لشما بغايت عظيم تر ميكرود م ومحب وریک ارشم ممکی ور بارهٔ میدیر می افزاید * بحدی که ما خور ازشما وركليسيابي فدا فخرمفائيم بعلت صبر وابان شما ورجميع مصائب شما وغدابهائي كه آنرا متحمل ميكرويد ه و واین برانیست بر اجرای حکم فدا براستی که شما قابل ملكوت خدا وانسة شده ايدكه بجهت آن زحمت مي كشيد * زیرا که ابنست انصاف نرو فدا که معنریس شمارا از راه قصاص عزاب غاید وشماراکه مظلوانید راحت بخشد با ما در وقت ظهور عیسای خداوند با فرشتکان قدرتش از آسمان * ورآتش مشتعل منتقم ارآناني كه خدارا نمي شناسند وآناني كه مروة خدا وند ما عيساى مسيرا اطاعت نمي نايند وايشان از حضور خداوند ١٠ وجلال وقدرتش بقصاص هلاكت أبدى خواهند رسيد * هنكامي که می آید که به تدرسان خود طرین کردد واز جمکی مومنان باعث

وويم بتسلنية فيان * ١ * ٢ *

کمال حیرت کرود در آزوزیقین است که از شهاوت ما شما ۱۱ مومن کشته اید * لهذا ور حق شما وعا می نائیم که خدای ما شمارا شایستهٔ این وعوب شمارد و باتام رساند کمال رضای خودرا در ۱۲ نیکوئی وکار ایمان را با قوت کرداند * تا آنکه عظیم کردو از شما اسم خدا وند ما عیسای مسیح وشما اروی بر حسب توفیق خدامی ما وعیسای مسیح خدا وند ما

باب دويم

امی براوران از شما استدعا منائیم در 'ارهٔ آمدن خدا وند ما عیسای مسیج وحشر ما نزو وی * که شما زود از هوش متزلزل نشوید ومضطرب مكروبيذار روح وزار كلام وزار نوشة كم كويا ارما باشد ٣ بأين مظنه كه كويا روز مسيح نزويك است * وهي كس بهيج وجهه شمارا نفریبدربرا که آن واقع نمی شود جز آنکه ور اول ارتداد طاری کرود وآشکارا شور آن سخص کناه که فرزند هلاک است * كه او بريمة آيجه بخدا بإمعبود مسمى است مخالف مناید وتفوّق میحوید بنوعی که ور هیکل خدا چون خدا می نشیند وفوورا چنین معاید که اوست فدا ۱۰ یا یاو نمیدارید که وقتی که هنور نزوشها بودم این را بشما گفتم * والعال میرانید که مانع چیست تاکه ور هنگام خود بظهورآبید* از آنجاکه بالفعل هم آن مستور ناراست موثر الست وہمین که آنچه تا حال مانع است ار میان برخاسته شود * آنوقت آن ناراست ظاهر خواهد کردید وفداوند اورا بنفس وهن خور فرو خواهد كرفت وجبلوة آمره خور معدوم خواهد نمود * وظهورش ارعمل شيطان با هر قسم قوت

ورتم بتسلنيقبان * ٢ * ٣ *

١٠ وعجايب وغرايب كاوب مبياشد * واكمال وليل اراست سبب بهالكان ارآنجاكه نيافتندمحبت راستي راتا آنكه نجات " بابند * لهذا فدا أنها الرضلات را خواهد ورستاو تا آنك ايشان ١١ وروغ را اعتقاد عايند * تأكه ير مهد آنها حكم شووك راستي را باور ۱۳ نه نمورند بلکه مناراستی خورسند بورند * وانی برا وران محبوب فداوند مارا لازم است كه بحبهت شما جمواره فدارا شكر كذاري كه فدا از نخست بتقرس رومی وایان راستی شمارا بجهب ۱۱ نجات رکزید * وشمارا بوسیلهٔ زرای ما بآن خواند تا آنامه شما مال ٥٠ پرجلال خداوند ما عيساي مسيج كرويد * بس اي براوران راسخ قدم باشید وآن احکامی را که خواه از کلام وخواه از مکتوب ما ١٧ فراكرفت پر محكم نكاه داريد * وفور خدا زيد ما عيساي مسبح وخدا وپرر ماکه مارا محب فرمود وتسلی ابدی واسیدواری خوبرا از ١٠ كرم ما عنايت فرموره است * ولهاى شمارا تسلى بخشد وور هر قول وفعل نيك بإيدار سازو

با ستيم

ا خلاصه ای براوران در حق ما وعاکنیدکه کلام خداوند جاری شود وعظم باید چنایچه نزوشما بافته است * وتا آنکه از مردم نامعقول شرید محفوظ کردی از آنجا که جمه را ایان نمی باشد امین است خداوندی که شمارا استوار خواهید ساخت واز به شرید محفوظ خواهید نمود * واز خداوند ور بارهٔ شما اعتاد واریم که آنچه شمارا میفرهائیم هم بجا آورده اید وهم خواهید آورد * ودلهای شمارا خداوند هدایت ناید محبت خدا وصیر ور انتظار مسیح

وويم بتسلنيقيان * ٣ *

و وشارا حکم مفایم باسم فداوند اعسای مسیح ای براوران که شار در براوری که بسر کشتکی رفتار مفاید نه برحسب آن ورانی که از ما یافت کناره کیرید * از آنجا که شما خود میدانید که ٨ چسان با ما متابعت نائير چه ا ورميان شما سركشة نبوويم * ونه ار قبل کسی نان مفت می خوردیم بلکه با محنت ومشقّت شب وروز مشغول بوديم كه مباوا براهدى ازشما بار باشيم و * واین نبود از آن جهت که اختیار نداری بلکه از آنجا که خودرا ٥٠ نمونه بشما نائيم تأكه موافق ماكرويد * وجون نروشما بوديم اين را ١١ نيز بشما كفتيم كم أكر كسى خواهدك كار نكند نان نيز خورد *ك مسموع ميشووكمه بعضي انشخاص بسركشتكي ورميان شما رفتار ١١ منايند وكار نمي كنند وليكن بكروش مشغولند * وامثال أين اشخاص را می کوئیر واستدها می نائیم که بخاطر خداوند ما عبسای ۱۳ مسیر که آرام بشغل پرداخته نان خوورا بخورند * وای براوران ۱۱ شما ور نیکوکاری ملول نکروید * واکر کسی سخن مارا ور نوشته اطاعت نه غايد اورا نشانه غائيد وباوي معشور نشويد تا آنا فعل ٥١ كروو * ليكن چون وشميش نشماريد بلك پندش وصيد چون ١١ براوريرا * خود خدا فيد آرام بيوسة ور هر صورت شارا آرام ١٠ بخشد وفدا فيد با جمكي شما باو * سلام برست خورم بولس اين ۱۸ نشانیست ور هر کتابت چنین مینویسم * توفیق خلاوند ما عيساى مسيج الهمكي شا او آمين

نامة بولس برتيمونيوس

باب اول

ا يولس حواري عبسي مسيم بحكم نجات وهنده ما خدا واميركاه ما ۱ عیسای مسیم فداوند * به تیمونیوس فرزند حقیقی ور ایان (منخواهد) كه عضل ورحم وأرام از بدر ما فدا وخداوند ما عيساي ٣ مسيح برتو باو * چنانچه هنگامي كه اراوه مقدود واشتم از تو استدعا نمودم که ور افسس ماره بعضی از آنان را بفرمائی که م تعليررا تغنير ندهند * ونقلها ونسب امهاى غير متناهى را اعتنا كفايندكه غالب أنست كه آن چيزا جدل را باعث است ه نه زربيت آلهيرا ورايان * ومقصود از حكم محبت است از ٧ ول بأك ونفس مطمن وايان بيريا * وبعضي از اين چيزارا منحرف کشت بناراً بیاوه کوئی کذاشته اند * ومیخواهند که معلمان شرع بوره باشند ونمي يابندكم چه ميكويند وبرچه وليل مي آرند * وسيرانيم ماكه شريعت نيكوست أكركسي آنرا متشرعانه بكار ٩ برو * واين را بداندكم شرع بحبهت عاول نيست بلكه بحبهت سركشان وطاغبان وبي وينان وكناهكاران وبي تقوايان وبي ۱۰ برهبزان وبدرکش واورکش وروم کش * وزانی واطی ومروم ورد ودروع کو وسولد وروع خور است واکر چیزی ویکو باشدک خلاف تعلیم صحیح باشد * اینست بر وفق مروه با جلال خدای

اول به تیمونینوس * ۱ *

١١ مبارك كه بمن سهروه شهره است * ومنت بديرم از مسير عیسای خدا وند مآله مرا قدرت بخشید را نروکه مرا امین وانست ۱۳ چون بخدمت تعین فرمور * ومن قبل ازین کفر کو ومعدب وظالم بودم لیکن رحم کرده شدم زانرو که آنهارا ور جهال از ١٧ بى اعتقارى مىمورم * وتوفيق خداوند ما بغايت افرور با يان ٥١ ومحبتي كه ور مسيخ عيسى است " كلاميست معتبر وقابل کال قبول است که مسیم عیسی بدنیا در آمد تاکه کناه کارانوا ١١ نجات بخشد وورميان آنها من برركترين كناه كارانم * ليكن از اینجا بر من رحم کرده شد تاکه عیسای مسیم کمال حلم را ور من نخست مودار كلد تاكه مونة باشم بجهت آباني كه بعد لروى ١٧ ايان مي آرند بحهت صاب جاويد * وبارشاه عوالم معرا ار فساو ومبرا از روتت خلامي يكانهٔ حكيم را تعظيم وجلال نا أبدا لاباد ۱۸ آمین * ای فرزند تیمونیوس این حکم را بنو می نایم که بر حسب اخباراتی كه سابق ور بارهٔ تو مى بود تا ور اين چيزا جهاو نيكو جا ١٩ آرى * بنكاه واشتن ا بان واطمينان نفس نيركه بعضي اورا وور ٢٠ كروه كشتى ايان ايشان شكست • واز آنمانه بمينوس وسكندر مي باشندكه آنهاراً بشيطان سيروم تا تنبيه يافته ويكر كفر نكويند

باب دويم

ا پس از هرچیز بیشتر سفارش می نایم که مناجات ووعا وشفاعت ۴ وشکر کزاری ور بارهٔ تامی خلق کروه شود * بجهت پاوشایان وقامی اشخاص صاحب جاه تا آنکه بآرام واستراحت کنران اول بەنىمۇنيۇس * * * * * *

س نائیم باکمال زهد وشابستکی • زیراکه این نیکو است وخوش ٨ آينده نرونجات وهنده ما خدائي * كه ميخواهد كه تامي خلق نجات ه بافته بمعرفت راستی کرایند میک بک فداست وورمیان فدا ٧ وخلق يك واسط است واو انسان مسيح عيسي است * كم خوورا ور راه جمه ندر واو واین شهاوت ور وقت ای معین √ شد* وور آن من ندا کننبده وحوارمی ومعلّم قسائل ور ا بان مراستی مقرر شدم وور مسیح راست میکوی ووروغ نمیکوی * پس خواهش منست که مروان در هرجا وعا نایند به باند کرون وستهای فیک بی خشم بی جدل * وزنان نیز بلباس مزین بحیا ویرهیزنه بکیسوا یا طلایا مروارید یا رفتهای کران بها خوورا ١٠ آراينه * بلكه چنامچه زنانيراك فلا پرستي اوعا مينايند ميزييد الما باعمال نيكو جا آرند * وبايد كم زن بآرام وباكمال اطاعت تعليم ۱۱ کیرو * وزنرا بتعلیم واون اجازت نمیدهم و نه تا آنکه زیروست مرو ۱۱۰ باشد بلکه سکون اختیار کند * از آنجا که اول آوم خلق شد وبعد ه و حوا * وآوم فريفة نشد بلكه زن فريفة شده از حد تجاوز نمود * ليكن ور زاون فرزند رستکاری خواهد یافت بشرط استقرار ور ا بان ومعبت وتقذس ووقار

باب سي

ا سخنی است مثین که در کس که خوانه شمند منصب اسقوفیت ا باشد عملی نیکورا طالب است به بس باید که اسقوف نیک نام وصاحب کمیزن ویرهنرکار ویروبار وصاحب اخلاق وغریب ا پرست ومائل بتعلیم باشد به نه می پرست و نه ضارب و نه طامع اول به تیمونهوس* ۳* او صله میرونه

م نفع مغيوب بلكه صابر وصلح جو ونمحب سيم إشد * وبر فانوارة خود بطور شایسة حکم کد وفرزندان خودرا ورکال برواری ه مطیع دارد * ریواکه اکر کسی نداند که چکونه برفانوادهٔ خود بررکترین ا عليه بجه نوع تواند از كليسبا الخبر باشد * ونو آمور نباشد مبارا او کروه بسزای ابلیس کرفتار شوو * وایدکه از فارجیان استشهاو نیک نامی واشته باشد مباوا که ور وآت ووام ابلیس افتد * وفاوانوا نیز باید که جهان طور بردبار باشند نه اشخاص دو رو وند اينك بشراب بسيار ميل وأشته باشند ونه نفعي معيوب راطاب ١٠ أشند * بلك رار ا بان را با ساره لوحي نكاه وارند * وخست بايد ك أنهارا تجريه نايند أكر برأنها أوعائي نشد أنكاه وركار خدمت " مشغول شوند * وزنان را نيز بهمان طور بايد كه بروبار ومبرا از ١١ غيبت ويكرانرا وهشبار وور هر امر لي برجا باشند * وخاومان با يكزن ١٠٠٠ عانند وفرزندان وفانوارة خوورا بطور شايسته بيشواني نايند * زيراً كه آنان كه خوب فدمت موده اند مرتب نيكورا ونهايت جرأت را ١١ ورا يان بمسيع عبسي افرمنانيد * واين چيزارا بتومي نويسم! ٥٠ اميرآنك خود زود بنزو توآيم * دور صورتي كه تاخير كنم واني كه چكونه ور فات خدا كنران بايد كروك آن كلبسياي فدا حي وستون ١١ وبنياد راستي است * وبالبديه عظيم است سروين كه فلا ور جسم آشکارا شد وبروم تصدیق کرده شد واز ملائکه ویده شد وورمیان مبائل باو ندا کرده شد ودر ونیا بروی ایان آورده شد وبحلال كرفته شد

. اول به تیمونیوس* ۱۰

باب چہارم

روم صريحا ميفر الدكه وراكم آفر بعضى ازايان خواهند بركشت وباروام ضال وتعليم ويوان اعتنا خواهند نمود وسبب تروير ٣ وروغ كويان كه نفس آنها كويا بداغ ارحس اعتاره است ومنع منايند از نكام وحكم منايند باحتراز از طعامهائي كه خدا آفريده است تا آنكه مؤمنان وعارفان حق إشكر كذار مي تناول غايند م ورواكم هر مخلوق فدا نكوست وانيج چيز قابل وور كرون ه نیست اگر بشکر گذاری تناول کرده شود * از آنجاکه از کلام خدا ورعا پاک میشور * اگر آین چیزارا به مراوران بار رهی فارم خوب عبسای مسیم خواهی بود وتربیت یافته ور کلام ایان وآن تعلیم نیکو که بیوسته در پی آن بودهٔ * لیکن از نقلهای یاده وافسأنهاى بيره زنان اعراض فاوور وين وارى رياضت كش ٨ باش * زيراكم رياضت بدني كم مصرفست ودين وارى بهر چيز مفير است ووعرهاي اين حيات وحيات آيندورا وارو * سنحن متين أست وقابل كمال قبول * وبدين جهت است که مشقت می کشیم وزلیل میشوی که امیروار میباشیم از فداى دى كه اوست نجات رهندهٔ جمكى خلق خصوصاً مومان ١١ * واين چيزارا حكم وتعليم فرما * وكسي جواني تورا حقير نشمارو ملك مومنان را وراكلام وكنران ومحبت وروجانيت وايان ١٣ وباكيزه كي نمونه باش * تأ هنكام أمرنم بنطالعه ووعوت ورتعليم ۱۱ متوجه شو * ويعغبر ماش از كرامتي كه ور نست كه بتو واوه شد ٥٥ از اخبار نموون ونهاون وست كشيشان برتو * ورين چيزا عمل

اول په تيمونيوس * ۴ * ٥ *

۱۶ کا وباینها ثابت باش تاکه ترقی او بر همه نمودار باشد * از خود واز ارشاد با خبر باش وور اینها و مستحکم شوکه اگر اینهارا جا آری خوررا و شنونده کان خورا نجات خواهی واد

باب ينجم

ا بيررا ورشتي ما بلكه چون از پررستوآل نا وا جوانان چون ا ۴ براوران رفتار نا و وا بیره زنان چون با ماوران و ازنان جوان ٣ چون با خواهران با کهال حیا * وبیوه رنان را که می التحقیقه بیوه م باشند محترم وار * واكر زن يوه فرزند يا نبيره واشته باشد آنهارا بایدکه بیاموزید نخست با فانواره خود صله رحمرا جا آرید وبارای ه حقوق اجدار پروازمد زیرا که این نرو خدا شایسته و نیکوست * که زنی كه في التحقيقه بيوه وبي كس است بخدا توكل نموده شب ورور » وروعاً ومناجات اشتغال مي نايد * ليكن زني كه بعيش وعشرت مینراند هم ور حیات مروه است + پس آنهارا از این آکاه سار تا كه متهم نشوند * وأكر كسى ور بارة خويشان بتخصيص اهل فانهٔ خود تکاهل ورزو منکر ایانست وبست تر از بی و ایانست * وزن بیوه که واخل سیاهه میباشد باید که کمتر از ١٠ شصت سال نداشة باشد ويك شوهر كروه باشد * ووراعمال نیک مشهور کرویده باشد مثلاً ور طفل پروری مشغول بوره است یا غریب نوازی میموده است یا با بهای مقدسان را می شسته است یا ول شکستگانرا معاون بوره است یا ور در زوع ا عمل نيكوني جمواره اشتغال واشته است * أما از زنان بيوة حبول احترازنا زانروكه برخلاف مسبج نازمي نانيد ونكاح ميخواهند

ا ول برنيمونيوس * ٥ * ١١ * وقابل موآخذه مي باشند ار آنروكه وفاواري اول را فسخ نموده ۱۳ امد * وعلاوه بر این بیکاری را یاد می کیرند که از خانه بخانه کروش نابيدنه بيكار وبس ملكه مإوه كو وفضول وتكلّم كننده آجيه مناسب ۱۱ نیست * بس رای من اینست که زنان جوان نکام کروه شوند وفرزند زانيد وكدبانوي فانه باشند وفصمرا مجال مزمت ١١ ندهند * زواكه بعضي الحال بيروي شيطان را مي نايند * واكر مرد یا زن مومنی بیوه کانرا واشته باشد خور آنها را متکفل کرور وبار بر كليسيا فايد تأآناء أنانى اك في الحقيق بيوه مي اشد متكفل ١٧ كرود * وآن مشا بخيراك يشوائيرا نيكو نموده الد لايق توج مضاعف واند خصوصاً آناني اكه ور وعظ وتعليم مشقد مي ١٨ كشند * چكتاب مي كويدك كاو خرمن كوبرا رهن مبند ومروور ۱۹ مستحق مرو خود است و واوعای بر کسی از مشانخ را مهدر جر ۲۰ با روسه شاهد ۱ ما کناه کارانرا ور بیش روی بمکی ملزم سارتا ۲۱ ویکران نیز ترس بر وارند * ومن پیوسته نرو خدا و میسای مسیح فداوند وفرشتكان بركزيده ورين كواهي هستم كه تو ابنهارا بدون ۲۲ لجاجت باید نکاه واری وایج امرا ار طرف واری نه نانی * وروی وستهارا برکسی مکذار ونه ورکنان دیکران شریک شو بلکه خوورا ٣٣ بَاكَ نكاه وار * ووكير آب خور مباش بلكه بجهت هضم ۱۷۷ وضعفهای بیوست خود اندک شرایی بگار بر * وتقصیرات بعضى اشخاص بر واضح است ورتجربه سبقت مى كيرو وكناان ٢٥ بعضى بعد واضح مي شود * وبان قسم اعمال نبك واضح است وچیزای ویر کون نیز مخفی نخواهد بود

اوّل به تیمونیوس * ۲ * باپ ششه

ا بایدآنانی که در غل بنده کی می اشند مولایان خودرا قابل کمال ١ احترام واندكه مباوا باسم فدا وقواعدش بدكوئي شود * وآناني كه مولایان ایان وار وارند تحقیرنه نایند آنهارا ار آنجانی که براورانند بلکه بیش بنده کی نایند از انجائی که آبان دار و محبوب دور ٣ نعمت حصه وارند باين چيزا ارشاد ودعوت نا * واكركسي بطور ويكر تعليم وهد وبكلام صحيح فدافد ما عيساي مسيح واعتقاري ٨ كر بحسب وين واريست اعتنا نه نايد * باوكروه أست ويريج نمی فهمد بلکه ناخوشی مباحثه و مجاوله ور اوست که پیرا می شود ه ارآنها حسد ونزاع واقوال قسيحه ويد مظَّنكيها * واللف اوقات اشخاص فاسدالعقل ومهجور از حق كه مي پندازيدكه دين واري ٧ نفع است از اين جورا اشخاص خودرا كناره كن * بلى وين · واری با تنامت نفع بررک است * زیراکه بهیم چیزرا ور ونیا ور نیاورویم وظاهر است که چیچ چیزرا از ونیا بیرون نمی توانیم ۱ برو * پس هرکاه خوراک و پوشاک داشته باشیم بانها اکتفا نائیم ه • وآنانکه عزم رولت دارند می افتند در امتحان درام دانواع خواهشهای ا معقول مضر که مروم را در تباهی وهلاک غرق ١٠ مي كنند * واصل جمة بديها زر ووستى است كه آنوا بعضي طالب شده ارا بان کمراه کشتند دور خودنوک المهای بسیاررا " فرو کروند * ونو ای مرو خدا ازین چیزا کریز دور بی صدق ددین ۱۱ واری وایان ومحبت وصبر وافتاره کی اش * وور کوشش نيكوي ايان بكوش وسيات جاويدراكه بحبهت أن خوانده شدة

اول به تيمونيوس * ۲ *

۱۳ وارهای نیکی را نیز پیش شاهدان بسیار نمورهٔ بدست آر * وتورا حكم منهايم بيش فدائيكه جدرا زنده مي سازو وييش مسيج ١١ عيسي كه ور حضور بنطبوس بدلاطس بدرستى اقرار بمود * كه تو این حکم را سیراغ وفالی از وم نکاه واری تا هنگام ظهور خداوند ما ١٥ عيساى مسيم * زيراكه وروقت معين خواهد نمور أناس كه ماكم مبارك واحد وباوشاه باوشابان وخداوند فداوندان ميباشد ۱۷ * واوست بتنهائی که بقارا وارد وساکن نوری که رور از نردیکی است ويري كس أز مروم اورا نديره است ومى تواند ويد اورا ۱۷ عرب وقدرت جاودانی باو آمین * واشخاصی را که ورین جهان صاحب وولتند حكم فرماك مغرور نشوند وير وولت نا بايدار اعتاد نه نایند ملکه برآن خدای حی که هر چیزرا بفراوانی ما ارزانی ١٨ ميفرمايد تا بكار بريم أعمّار نائميد * وأينك نيكوكار بوره وور اعمال وا نيك بيغزايند وميل بعظ وبزل تموون واشته باشند * واساس خزانة نيكو ور أخرت بحبهت خور بنهد اكم حيات جاويررا ۲۰ بدست آرند * ای تیموثیوس امانت نکاهدار واز یاوه کوئی هرزه وار آن اختلافات که از علم کاوب حاصل میشود کناره جو ام باش م كه بعضى چون آزا ارعا لمورند از راه آيان منحرف كشتند وتوفيق إنو بار آمين

نامة انى پولس به نيمونيوس

باب اوّل

ا بولس موارى شدة عيساى مسبح إراوة فدا ورابرة وعدة ميات ۲ ور مسیع عیسی * به تیموثیوس فرزند محبوب (میخوهد) که فضل ۳ ورحم وآرام از خدای پرر ومسیم عیسای خداوند با برا و باو * منت خدايراً كم بنده كيش را از اجدار بساده كي مي عام وشكر منام چون م تورا بیوسته ور وعای خود شب وروز یاد می آرم و مشتاق ملاقات تو میباشم زمانی که اشکهای تورا بیاو می ارم تا آنا از سرور پر شوم * چه کاو می آرم آن ایان بی رایس اکه پیشتر ساكن بود ور جدهات لوئيس وأورت أونيقي ومرا يقين ٢ است كه دال ور تونيز ميباشد * لهذا تورا ياد مي ارم كه كرامت فدارا که بوساط*ت کذاشتن وستهای من در تو میباشد بر* افروری * از آنجا که فدا روح جبن را ، ما نداده است بلکه روح م قدرت ومعبت ووقارا * پس توازشهاوت برخداوند ما وازمن کہ اسیر اوم خجل مباش بلکہ بمرافقت مزرہ عزاب بکش و بقدرت فدائی که ارا ناجی کروانیده است وبدعوت مقدس وعوت مود نه از اعمال ما بلکه از تقدیر خود وتوفیقی که ما در مسیح ١٠ عيسى از المم قديم عنايت شده است و وال آشكارا كرويد بسبب ظهور نجات وهندة ما عيساى مسيم كه مركرا معدوم

دوتم به تيموثيوس * ١ * ٢ *

ا ساخت وصات وبقارا روشن نمور بمروه محكم من در آن ندا ١١ كننده ودوارى ومعلم قبائل مقرر شدم و وجهين جهت من این عذاب را می کشم لیکن خبل نیستم که میدانم برچه کس ا بان آورده ام ويقبن دارم كه تواندكه اماس مرا تا بآنروز نكاه ١٣ وارو * وأن كلام الى صحيح راكم از من شنيره دون با معيار وا ۱۴ ایان و محبت که ور مسیم عیسی است تمسک جو ۱۰ امات ه، نیکوراً نکاه وار بروه القدس که ور با ساکن است * وتو این را ميراني كربهة اهل اسم ازمن بركشتند وفكلس وهرمكنس ١١ نيز بأأنها ميباشند * وخداوند فانورة اينسفرس را رحمت غايد ك ١٧ مكرر مرا تازه كمي بخشير واز زنجير من خجل نمي شد* بلكه ور ۱۸ هنگامی که در روم میبود نیز بکوشش مرا جسته پیدا نمود * فداوند این را بوی عنایت فرماید که در آنروز رحمت از خدا زمد بیابد وتو بهترميراني كه ورافسس چه قدر خدمت نمود

باب دويم

بب دون الم فرزند من از توفیق که در مسیم عبسی می باشد با قوت باش * وآنچه از من بوسیله شاهدان متعدد شنیده بسیار باشخاص معتبری که قابلیت تعلیم نمودن دیگران را داشه به باشند * حاصل آنکه تو چون سیاهی نیکوی عبسای مسیم متحمل م عذاب مبباش * وکسی که سیاه یکری می ناید تا سروار سیاه را ه خوش آید در امور معاش نمی سیم * واکر کسی نیز کوشش ناید م متوج نمی شود جر آنکه بر وفق قامده کوشش ناید * وده قال رئیم ویده را باید که نخست در حاصل شریک باهد * ودر آنچه میکویم روتم به تيمونيوس * ٢ *

٨ تألى ما وفدا وند فهم هر چيزيرا بتو عناست فرمايد * بخاطر آرك عسای مسجر که از سل واور بود از مرده کان بر فاست چنانچه ٩ من آن ندا مي عايم • وسب أن متحمل شدايد مي باشم ا ١٠ ببندا كه كويا محرم بورم ليكن آن كلام خدا بسته ميشور * واين جمرا بجهت بركزيده كان متحمل ميشوم تا آنك ايشان آن نجانی راکه در مسیم عیسی میباشد! جلال ابدی بجنک آرند ال مسخنی صحیح است که اگر باوی مرده ایم باوی نیز خواهیم زنده ۱۱ شد * اگر تحمل ورزیدیم باوی نیز مسلط خواهیم کشت واکر انکار ۱۳ نائیم اونیز بارا انکارخواهید نمود * اگریی ایان کردیم او خود امین ۱۱ اقعی می ماند وخودرا انکار نمی تواند نمود * این چیزارا بار ره وور حضور فداويد بيوسة ايشانرا ورشهاوت تاكيدناك با كيدير مجاوله نعایندکه جر واژگون مموون شنوندکان ویر کارسازی اروی نمی ه، شوو * وکوشش نا که خودرا از مقبولان ورکاه فدا سازمی چون ١٧ عاملي كه شرمنده نكروو وور شرح كلام حق باستقامت باشد * واز یاوه کوئیهای هرزه کناره کیرکه نریاونی بی وینی ترقی خوهند ممود ١٧ * وسخن أنها چون خوره بيوسة ورتفحص قونست وجمنايوس ۱۸ وفلینس هم از آنان می باشند * که ایشان از حق منحرف کشته اندك قائلند بأنك قبامت قاير كشنة است وايان بعضىرا وا احراف میرهند * هرچند اساس فدائی مستحکم است واین مهررا كرفته است كه مي شناسد خدا آناني راكه زان اوميباشند ليين ۲۰ باید که هرکس که باسم مسیح تکلم می نایداز ناراستی دور باشد * دور فانة برركان نه جمين ظروف طلا ونقره است بلكه چوبی وكلی

رويم برتيمونيوس * * * * * *

باب سيم

ا واین را بدان که اوقات صعب ور زمان آخر خواهد رسید * زیرا که خواهند بود مروم خود ووست وزر پرست ومغرور ومتکبر وکفر سکو ونا فرمان والدین حق ناشناس مبیدن * بی الفت بیوفا مه خبث کننده بی پرهنز بی حلم با خوبان بی اعتنا * فاین کم حوصله مهوس کننده وعیش را بر خدا ترجیح میرهند * صورتاوین وار ومنکر حقیقتش میباشند از این چنین اشخاص انجاض نا به وارین مقوله اند آنان که جانها ور آده ضعیفهائی را اسیر مناند که بارکناه را می کشند و بخواهشهای کوناکون کشیده میشوند میشوند میروسته می آموزید وکاهی بمعرفت راستی نمی توانید رسند * که

ووتم برتيمونيوس * ١٠ * ١٠ *

چون بنیس ویمبریس که مخالفت نمووند موسی ا ایشان نیز راستى رامخالفت منيانيد ومرومي ميباشند فاسد العقل ومردود و الابان * ليكن بعد ازين ترقى نخواهند كرداز آنجا كه ويوانكى آنها بر مه واضح خواهد كشت چنامچه ويوانكي انها نيز ظاعر كشت ١٠ * ليكين تومستحضري از تعليم من وكنران ومراو وا يان وحوصله اا ومحبت وصبر ومصيبتها وعذابهائي كه ورانطاكم واكانه واسطرا یر من واقع کشت که چه مقدار زحمت کشبیرم وفدا وند از مهمه ۱۱ مرا رائی بخشید • وجه آنان که میخواهند تدین ورزند ور مسیم ١٣ عيسى رحمت خواهند كشبير * واشخاص بد ومكَّار ترقى خواهند ۱۲ نمود به بستی ور فریبنده کمی وفریب خوری * لیکن تو در آنچه آموخة وعقيره نموري با برجا باس كه ميراني از چكس آموخة ١٥ * واينكه آموضة از طفوليت آن نوشتهاي مفرس راكه مي نواند تورا فهيم سازو ورآن نجاتي كه ورا بإن بمسيح عيسي هست ١٧ * هر نوشه از الهام فداست وعبهت تعليم وحجت واصلاح ۱۷ وزبیت ور عدالت مفید است * تأکه مرو فدا مستعد و عبهت هركارنيك مهيا إشد

اب جہارم

ا پس من در حضور خدا وعیسای خداوند که در ظهور خود و ملکوت ا خود از زنده کان ومرده کان حکم خواهد نمود این قول ثابتم "که ندا کلام نما دور فرصت وغیر فرصت ورحضور مداومت نما دخیت ا روملامت نما دوعوت کن با کمال دوصله و معلمی "از آنجاکه خواهد رسید هنگامی که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد المکه 500 روغ برتيمونيوس * ٣ *

سامعة خوارش وار خواهند واشت كه معلمارا برحسب راى م خور انبار منایند • وسامعدرا از راستی منحرف سافته بسوی ه افسانها خواهند كراتيد • ليكن تو ورهر امر با خبر و متحمل شدايد باش وجا أر معل مروه أوررا وفدمت خوورا بانتها رسان و وراكه حال من بتعليل ميروم وهنكام رحلت رسير است * در کوشش نیکو کوشیده ام ووور خوورا باتام رسانیده ام وا بازا افاه واشته آم * خلاصه تاج صداقت بجهت من كذاروه شده است كه فدا فدك ماكم فأولست من ورآنروز عطا خواهد فرمود نه مرا وبس بلکه جمة الناني را كه مشتاق ظهورش ميباشند ١٠ * تلاش ناك زود بنزوبك من آئى * زيراك ويلس از حب اين ونيا مرآ كذاشة بتسلنيقي رفت وكريسكنس بكلاتم ونيتس " بركماتم رفتند ولوقا بتنهائي ابمنست * ومرقس را بهمراهي خوو ١٢ كرفة مياوركه ورفدمت جهت من كارسار است * وتخلس را ۱۳ بافسس فرستاوم و والابوش راكم ور ترواس نزد كريس كذاشتم ١٧ چون أئى بياور وكتابهارا خصوصاً يوستهارا نيز بياور • اسكندر آهنكر بسيار بدبها بامن نمود فدا فعد أورا برحسب افعالش جزا ١٥ وهد * تونيز أزوى إ حدر إش زيراك كلام ارا بابرام مخالف ١٧ نمود * ونخستين باركه جواب واوم أنهارا ميري كس با من رفاقت نه نمود بلكه بهد مرا را نمووند واميراست ك إين كرفته تشوند ۱۷ * ليكن خدا وند به بهلوي من ايستار وقوت بخشيد تا نداي من منتها رسد وهمكى قبائل استاع غايند واز وهن شير رستكاري ١٨ ياونم * وفدا وندك مرا از هر عل زشت محفوظ خواهد واشت

رويم تيمونيوس * ١٠ *

وتا بملكوت آسمانی خور ناجی خواهد داشت تا ابد الاباد ادرا ۱۹ جلال باد آمین * دیر مكل واقله وفاندان انیسیفرس را سلام ۲۰ رسان * اراستس در قرنفس باند وترفیمس را در ملینس بیمار ۲۲ رانمودم * وجهد ناكه قبل از زمستان آمده باشی * اوبولس وپدونس ولینس وقلود و و مكی برادران تورا سلام می رسانند ۲۲ * عیسای مسیح فلافید بارد و تو باد و توفیق با شما باد آمین

نامهٔ بولس حواری به تینس

باب اول

اسقوف را ضروریست که از تهمت بری باشد چون ناظراست از جانب فدا وخود برست با تند حراج یا می برست یا مردم آرار ٨ ويا نفع طلب نباشد * بلكه غريب نوار وصعب نيكان وسنحيده ٩ وعاول ويك فطرت ويرهيزكار • وتشك جوينده بكلام معتبر بطورید تعلیم یافته است نا آنکه تواند هم نسلی بخشد وهم بر استخصان حجت تام ناید به بیانی صحیح " از آنجا که بسیاری ميباشندكم كرون كش وياده كو ومكارند خصوصاً انان كه اراهل " ختنه مياشند * كوران أنهارا بايد ست كه ايشان فالدان ارا بالكلبه وازكون مبكروانند وجبهت قليل نفعي خبراي ناشايسترا ١١ تعليم مي نايند * چه مكي از ايشان كه ييغمبري از قوم خودشان می بور گفته است که قریتبان جمیشه وروه کو ودیوانات بد ۱۳ وشکمهای کران دستند * این شهاوتیست راست وبدین ١١ جهت آنهارا بدرشتي مجاب غاكه ايانشان صحيح باشد * وبر افسانهای برود واحکام مروانی اعتنا نه نایند که راستی را احراف ٥١ ميدهند * باكانوا هر چيز باكست وآلودهكان وبي ايانان الهيج چير ماك نيست بلك وانش ونفس آنها نيز ملوث شده أست ١٧ * ارعاى معرف فدارا منايد وفعلا منكر ميباشندك كثيف وكرونكش وبحبهت بهيج امرنيك مصرف ندارند

۳ و تو بان سخنانی که موافق اعتقاد صحیح باشد تکلم نا ۴ که بیران را باید که هوشیار و با وقار وسنجیده وور ایان و محبت وصبر مستقیم ۳ باشند ۴ وزنان بیر بهان طور ور اخلاق چنان باشند که مقد سازا

زيبر نه غيبت كنند ور مقير بشراب بسيار باشند بلك مائل ۸ آمونتن نیکی باشند * که زنان جوان را اوب سیاموزند که روست ه شوهر وفرزند وميانه رو وباعصمت وفائه نشين ونيكو فلق ومطبع شوهران باشندكه مباوا نسبت بكلام فداسنحن نا شايسته كفته ٤ شود * وبهمين طور نيز مروان جوان را نصبحت نا كه مبانه رو باشند * وتو خودرا ور هر امر از اعمان نیک نمونه نا دور تعلیم معن ووقار واخلاص را ظاهر ساز * بكلام صحيحي كه بر او نكته نتوان كرفت كه خصم خبال كرود ومطلقا نتواند ور بارة شماسخن و نا شایسته کوید و ملاز کانرا حکم ناکه آفایان خودرا اطاعت نایند ١٠ ور هرام ربنوع خوشي نه آنکه حاضر جواب باهند * وفاينان نباهند ملكه كمال المنت را ظاهر سازند تا آنكه قواعد نجات وهنده ما ۱۱ خدارا ور هرامر زینت وهند * زیرا که نوفیق نجات آور خدا بر ۱۱ تامی خلق ظاهر کروید و وارا مرنیست که بیدینی وخواهشهای ونيوي ا انكار نموده بميانه روى وعرالت وندين ور اين جهان ۱۳ زنده کانبی نائیم * ورانتظار آن امید نجسته وظهور جلال خدای ١١ عظيم ونجات وهندة ما عيسامي مسيح وكد خوورا ور راه ما تسليم نمود تأ آنکه بارا از هر قسم كرفتاري رائي بخشد تا باك نايد ١٥ بحبهت خود طايفة مخصوصيرا غيور در اعمال نيكو * اين چیزهٔ تکلم نما ورعوت کن وملزم ساز با کمال قدرت واپیچ کس

باب سیم خلق امخرک شوکه ارباب ریاست واقتدار را مطبع ومنثار 524 ۲ باشند و بحبهت هرکار نیک مستعد باشند * ویی کس را بد نکویند وصلح جو وحلیم و انهایت افتاره کسی ا بهد خلق رفتار ۳ نایند * زیراکه قبل ازین ما نیز می فهم وکرونکش و کمراه ور قبير لراب وخواهشهاى كوناكون وا بغض وحسد هم عنان ٣ ولايق تنفر خلق ويكديرا وشهن مي بوديم • ليكن چون عنايت ه وشفقت نجات وهنده ما خدا آشكار أكرويد * نه بجهت اعمالي كم ار ما بصداقت صاور شده بود بلكه از راه رحم خود مارا نجات ٠ . خشيد بغسل تولّد ثاني وتجديد بروح القدسي * كم انرا بوساطت · راتدهٔ ما عبسای مسج برما بفرا وانی ریخت * تا آنکه از فضلش ار عاولان شمروه شده اميروار وراثت حيات جاويد كرديم * * سنحنی است متین ومیخواهم که جمواره تو در الیمقدم گفتگو نائی تا آنانی که بر خدا آبان آورده اند تفکر نایند دور اعمال نیک سبقت دوندك مرومرا أين چيزا مناسب ومفير أست ٩ * ليكن از مسائل نا معفول وأر نسب نامها ونرعها وجنكهاى ١٠ متشرعاً فا اواض ما از آنجاكه بيمصرف وعبث ميباشد * واز الا شخص بدعت كذار بعدار مكرو وفعه نصيحت اعراض نا * ارآنجا که میرانی که اینجنین شخص برکشته است و بحکم خور کناه را ١١ مرتكب ميشور * وچون كه ارتاس يا تنحكس را بنزوت روانه نايم سعی ناکه درنیقبولی بنزومن آمره باشی که آراوه وارم که ورانجا ١٣ رمستانرا بسر بروه باشم * ريناس فقيه واللوس را بكوشش بدرقه ١١ نا تا آناء أنهارا مطلقاً احتيابي نباشد * وأنانيراك ار أن ما ١٥ ميباشيد بايست كه ورشغلهاى نبكو مشغول باشند * بجهت

مرتيتس * ٣ *

کارسازی تا که بی شمر نباشند وجه آنکسان که جمراهند سلام ۱۲ میرسانند * واشخاصی که بارا ور ایان ووست میارند سلام رسان وتوفیق با جمکی شما باوآمین

نامهٔ پولس حوامی بفکیمون

ا پولس بندہ مسیم عیسی وتیموثیوس براور بفلیموں کے محبوب ٠ وبمقطار است * وافعي معبوب وارفيس هم معركة ا ۳ وبکلیسیائی که ور فانه اس میباشید * (میخواهند) که فضل وارام ۴ ار دانب بدر ما خدا وعیسای مسیح خداً دند بر شما بار * خدارا شکر ه می نام و دیبوسته در وعالمی خود تورا باد می آرم * از آنجا که محبت تورا وا بأنی که نسبت بخدا وند عیسی و ممکی مقدسان وارمی می ۷ شنوم " بنهجی که شراکت تو ورا بان باعث می شود که اعتراف اید بخامی خوبیهائی که ورشا میباشد ورمسیج عیسی *وبدرستی كه سرور وافر وتسلى ازمعبت تو جههت ما حاصل است زيرا ^ که ای براور از تو نفس مقدسان ور آرام است * بدینجهت من بأوجود آنکه کمال جسارت از مسبح وارم که بایجه مناسب است بر تو حکم نام * لیکن مرا خوش می آید که از راه محبت از توانناس نام از آنجا که من کسی نمی باشم جزپولس پیروحال ١٠ نيز اسير عيساي مسيج • خلاصه از تواستدعامي نايم ورحق فرزند ١١ خور كه ور زنجيرا از من بديدار كشت يعني انيسمس * كه ييش

ازين بحبهت توبيمصرف والحال هم تورا وهم مرا مصرف دارو ١٣ * كه أورا فرستاوم وتو أورا يعني نفس مرا قبول نا * وميخواستم که اورا نرو خود نکاه وارم که جای تومرا ورنبدای مروه فدمت ۱۷ نماید * لیکن خواستم که بی استرضای تو امری مرتکب نشوم تاکه ٥٠ احسان توبتكلُّف نباشد ملكه أزروي رضا باشد * وشايد كه مُرتى ارتو رورافتاو بدينجهت بووك ويكر باركشة بيوسة باتو بوره باشد ١٧ *ليكن نه چون بنده ملكه فوق سنده چون براور محبوب بچند مرتب ١٧ مرا پس بيند مرتبه افزون تورا هم جسماً وهم در خداوند * بس اكر ۱۸ تو مرا رفیق میدانی اورا چون من قبول فرما • واکر ضرری بتو ١٩ رسانيره است يا چيزي مقروضست آنوا بمن حوالت نا ممن كه بولسم برست خور نوشتم كه من اوا خواهم نمود ونميكويم اين را ۴۰ که تو قرض دار من هستی * ای ترادر بکذار که من در خلاونداز ١١ تو منتفع شوم ونفس مرا ور خلافيد آرام بخش * چون جرم واشتم که اطاعت می نائبی بتو نوشتم ویقین است که زیاد از آنچه کفته ۲۲ ام خواهی کرو * وهم بحبهت من مکانی معین کن زیرا که ۱۳ امپروارم که از وعالمی کشما بشما باز واوه شوم * ایفراس که هم ۲۷ محبس من ور مسبح عیسی می باشد * ومرفس وارسترفس ١٥ وو باس ولوقا مقطاران من تورا سلام ميرسانند * توفيق خدا ومد ما عیسای مسیح با روم شما بارآمین

نامة بولس بعبريان

باب اول

فدائى كه وراوان سلف ورقسطهاى متعدوه ووجوه مختلف إجداو ما بوساطت يعممران تكلم نمود * ورين آيام آخر با ما تكلم نمود بوساطت بسر خوركه اورا وارث جميع اشبا كردانيد وبوساطتش ٣ عوالمرا خلق نمود * واو تابش جلالش وسكة وجورش بود وبمكي اشبارًا بحريان قوة خود متحمل كشته كناان مارا منفس خودمحو نموره بر وست راست خدای قاور مطلق ور علمین جلوس ٨ فرموه * واز فرشتكان بمقدار عظم نام خووكه بميرات أيف از ه آنها بزرگتراست *آر آنجاکه بکدام یک از ملائکه کاهی فرمود كه تو بسرمن ميباشي ومن امروز تورا توليد نموده ام ويا آنك من ۲ پدرا و وا و پسر من خواهد بود * ونیز چون نخستین مولودرا مکیتی در می آورد میگویدگه جمکی ملائکهٔ خدا اورا سعیده نایند * وور حقّ فرشتكان ميكويدكما وست كم فرشتكانرا از روم مي سازو وملازمان م فوورا شعلة آتش * ويسررا چنين كه اى خداشخت توتا بابد الابار ۹ است وعصامی ملکوت تو عصامی راستی است * توئی که راستى را روست واشة وناراستى را وشمن لهذا فدا فداى تو ١٠ مسے كروعطرسروررا بر توبيش از آنچه مسے كرو برفقاى تو ونيز كه أي فلافيد تو زمين را بنا نهاوة وسموات صنائع وسنهاى

۱۱ تست * اینها فانی می شوند و بو باقی میمانی واینها تامی چون
۱۲ لباس مندرس می شوند * و تو آنهارا چون لباس خواهی پیچید
و آنها تغییر خواهند بدرفت و تو جانی وسالهای تو نقصان خواهد
۱۳ یافت * ونیز بکرام یک از فرشتکان کاهی فرموه است که
بنشین ور وست راست من تا هنگامی که وشمنانت را
۱۸ لکرکوب بایی تو سازم * آیا که نیستند آنها جمه ارواح خاوم
که فرستاره می شوند بجهت خدمت آنانی که نجات را بیراث
خواهند یافت

باب دوتيم لهذا ضروريست كه آبحه شديده شد نهايت وقت را جا أريم ۲ مبادا که کاهی فراموش نائیم ۱ از آنجا که چون آن کلام که بوساطت فرشتكان كفته شد بر قرار كرويدكه هر تجاوز وتغافل ۳ سزای سزاواررا بافت * چکونه ما رستکار کرویم کر زانکه از چنین نجات عظیمی فافل باشیم که وکر آن از فداوند آفار شده از م آنان که شنیوند بر ماثابت کروید * وفدا بامور عجیب وغریب واقسام معترات وكرامات روح القدس كمر مرحسب أراوة خور ه تقسيم نمود با آنها شهاوت ميراد * فلاص كه آن جهان مستقبل راکه ورآن تکلم می نائیم در تحت فرنشتکان ور نیاورده است * لیکن شخصی ور مقامی فرموره است که چیست انسان که تو اورا بخاطرِ میکنرانی وفرزند انسان که بر وی توج میفرائی * تو تا مرتبی اورا کستر از فرشتکان داشتی دا ورا بعزت ماکرام متوج نمورهٔ ونو اور برکارای رستهای خور کماشتی * وهر

چيزرا ورتحت اقدامش نهادهٔ وچون هر چيزرا محکوم اونمود بهيج چیزی ا نکزاشت که محکوم وی نباشد لیکن هنوز نمی بینم که ٩ هر چيز محكوم او شده باشد * وهال مي بينم عيسي راكم چند كاهي ر از فرشتکان می بود وبسب عذاب مرک بعرت وأكرام متوج شد زانروك أز فضل فدا لازم بدوكه او ور راه هركس ١٠ مرك رأ بچشد * زانرو كه آنكسي را كه جمه بحبهت او وبوسيلة او هست شدند شایسته بود که ور ورآ ورون ا بنای کثیربرا ورجلال ۱۱ که بیشوای نجات آنهارا از راه ٔ عذاب کالم کرواند * زانروک مقدس کننده ومقدس شده کان مهمه از یک میباشند لهذا از ۱۱ خواندن آنهارا براور خجل نمی شود یکه میکوید اسم تورا ورمیان برا دران خود مشهور خواهم گروانید وتورا درمیان جماعت حمد خواهم ۱۰۰ نموو * ونبز من بروی توکیل خواهم نموو ونیز اینک من وفرزندانی ۱۷ که خدا بمن واوه است * وچوان فرزندان ور جسم وخون شركينداو نيز ورآنها برتساوي حصه يافت تأآنكه بوسيلة مرك ه صاحب اقتدار مرك يعنى الليس را تباه سازو * وآناني راكه از ١١ ترس مرك جمة عمر كرفتار منده كي بووند رائي بخشد * كه جسم ۱۰ ورشتگانرا نکرفت بلکه جسم نسل ابراهیر را کرفت * پس بایست که ورهر امر مشابه براوران باشدتا آنکه کاهن تررک رحيم وامين باشد ور هرامركه خدائي باشد وركفارت كنابان ١٨ خلق الم كه چون خور عذاب كشهيره تحربه باوت مي تواند كه تحربه بيننده كانرا وست كيري نابد

بعبريان * ٣ *

با سيم

ا پس ای براوران مقدس که ور وعوت آسمانی شریکید بنکرید رسول وكاهن بزرك برحسب اعتقاد مارا يعنى مسير عيسيرا ٢ * كه أمين بور تعين غايندة خودرا چنائيه موسى نيز ور تام م خاندانش مي بور * وأينكس لياقت عرت را بيش از موسى وارو بقدرى كه سازنده فانرا حرمت بيش از حرمت فانه است ۴ * زيرا هر فانراكسي سازو وآنكه هر چيزرا ساخته است فداست * وبررستی که موسی امین بود بر جمکی فاندانش چون فاومی ١ جهب شهاوت بر آنجيزاكم بعدار آن كفتني بود ١ اما مسيم چون پسر ہر فانة خور ومائيم فائة او بشرطى كه اعتار وفخر اميدرا تا إنتها باستحكام نكاه واريم ليس چناچه روم القدس ميفراندكه ^ اكر آوازش را 'امروز مي شنويد * خودرا قصي القلب مسازيد و چنانچه ور اوان بخشم آورون وا بام امتحان ور سیابان * جائی که بدران شما مرا امتحان کردند وآزمودند تا مدت چهل سال ١٠ افعال مراً مي نكريستند * پس ير آنطايفه خشم كرفتم وكفتم كه ١١ پيوسته قلباكمراه ميشوند وراهاي مرا ندانستند * بنهجي كه ورخشم ١١ خود سوكند خوروم كه ور أرام من داخل تخواهند كرويد *اي برادران با خبر باشبرك وركسي أزشما ول شرير وبي ايان ۱۳ نباشد که از فدای حی دور شوید * بلکه میدیکررا روز بروز استدعا النير ا وامي كه امروز كفته مي شووك مباوا كسى از شما سخت ١١ ول كروو بترويركناه * زانروكه ور مسبح شركا ميكرويم بشرطي كه ٥١ ابتداي اعتاورا تا انجام محكم بچنك زنيم * ما وامي كفته مي شووكه

بعبريان * ١٠ ١ ١٠

امروز اکرآوارش را می شنوید دلهای خودرا سخت مرارید چنای امروز اکرآوارش را می شنوید دلهای خودرا سخت مرارید چنای ۱۲ ایشان ور هنگام تحریک خشم واشتند * از آنجا که بعضی شنیده تحریک خشم می نموزند لیکن نه بهترآنان که بوسیلهٔ موسی از مصر ۱۷ بر آمزند * پس با کرام اشخاص چهل سال خشم واشت آیا نه با آنان که عاصی بوزند که اعضای آنها ور بیابان افتاد نه با آنان که عاصی بوزند که اعضای آنها ور بیابان افتاد ۱۸ و و و مورد که واخل آرامش ۱۸ خواهند کشت جزین ایجانان * پس معلومست که بسب بی ایمانی نتوانستند که واخل شوند

باب چهارم

ا پس باید بترسیم که بعد از آنکه وعده بداخل شدن در آرامش کروه ا شد مباواكسى ارشا چنان غايدك قاصرآيد وزاروك ما نيز ورده چون بانها واوه شدلیک آنهارا شنیدن کلام سود نه بخشید زانرو ٣ كه با ايان ور شنوندكان ور نيامه و وأكد اليان آوروي واخل آرام هستيم چناچه كفته است كه ور غضب خود سوكند باد كروم ك وادل لخواهند كشت بآرام من وحال آنك افعالش از ٨ بناسي عالم بانام انجاميد * وروز هفتمرا ورمقامي باين طور فرموده است که خدا در روز هفتم از اتام بهمکی افعال خود آرام کرفت ه + ليكن با وجود اين ويكر بار در اينجا ميكوندكه واخل آرام من ٧ نخواهند كرويد * بس چون حاصل اين است كه بعضى واخل آن میشوند وآنهائی که پیش مروه را یافتند بسبب بی ا یانی واخل نشدند وباز روز ویکربرا معدود میفرها پداز آنجا که تربان واود بعدار مرت طوبلى بلفظ امرور اشاره ميفرايد چنانچه كفتر است

^ که امرور اکر آوارش را بشنوید ول سخت مکروید * واکریشوع ٩ أنهارا أرام داوه بود وكر روز ويكر بعد ازين نمي نمود * ماصل ١٠ أنكه بحبهت طايفة فدا أرام كرفتن باقيست * زازوكم واخل آرام او شده است خود ازافعال خودآرام کرفته است چنانجه ا خدا از اعمال خویش * بس بموشیم تا واخل آن آرام شویم که مباوا بر وفق آن نمونه بی آبانی کسی بیفتد * زانرو که کلام خدا زنده ومؤثر وبُرنده تر ارشمشير رو رمه وفرو رونده تا شكافتن جان وروم ومفصلها ومغرا ومحقق تصورت وتخيلات قلبي است ۱۳ و و کلفت ور پیشش مخفی نیست بلکه مهم چیزا برهند ومنكشف است بيش چشمان آنكس كه مارا با او سروكار است ۴ * پس چون واریم کاهن بزر کی را که از آسمانها ور کنرشت یعنی ٥١ عيساي بسر خدارا بس أين اعتقاد تمسك جوئيم * زيراك نداريم چنان کاهن نزر کی که همررو نباشد با شکستگیهای ما بلکه چنانکه ١١ تجربه شد ور هرامرا مشابه بود جز وركناه * پس نزويك آئيم! جرأت تخت توفيق اتأكه سابيم رحمت را وبكيريم توفيق را معاون باشد در هنگام احتیاج

ا هر کاهنی بررک که از میان خلق اختیار میشود ور امور آلهی وکیل خلق مقرر شده است تا آنکه هدایا وزبائی را بههت اکنان بکنارد * ومی تواند که با جاهلان وکمرایان مهربانی ناید از می آنجا که ضعف بر وی نیز محیط میباشد * وازین جهت باید که بهبت خود نیز چون بجهت خلق قربانی کنراند بجهت رفع

م کناان * وہ چ کس نمی تواند که خور این عزت را برای خور اخر ه غايد جرآنك أز خدا مقرر شوو چون ارون * ومسيح نيز بهمين قسم خود عرب كهانسرا جهد خود اخر نه نمود بلك أنكس بوی واو که ویرا کفت که تو بسر من میباشی ومن امروز تورا تولید ٢ كروهام * وچنانچه ور مقام ويكر نيز ميكويدكه تو تا بايد كاهن میباشی ور صف ملکی صدق * واو چون در آبامی که ور جسم بوو وعا ونیازرا نرو آنکس که برمانیدنش از مرک قاور بود با فریار ٨ شديد واشكها مي نمود وبسبب عباوت مستجاب شد * يس باوجود آنکه بسر می بود از عذا بهائی که می کشید اطاعت را آموخت * وكالم كرويده بحبهت تامي مطيعان خور سبب نجات ابدي ١٠ كشت * واز خدا مخاطب بود بكاهن بررك از صف ملكي صدق ١١ * كه قصة أو طويل ومشكل التقرير أست أر آنروكه شما ثقيل ١١ السمع ميباشير *كه هر چند بسبب طول مرت بابيرك معلم باشير ليكن باز محتاجيركه كسي شمارا تعليم نايدكه نخستين ماري كلام فداچ چيز است وچنان ميباشيد كه محتاجبير بشير ۱۱۰ نه باکل سخت * وهرکس که شیرخواره است آنست که ور ١١ كلام صدق نا آزموده است بلكه طفل است * وغذامي سخت زان کاملانست که ایشان از کثرت عاوت مررک خودرا قوی وارند بنوغى كهمميزنيك وبدمى توانند شد

باب ششم

ا پس حکامت مبادی مسجرا واکناشته بسوی کمال رو نهیم نه اینکه دیکر بار اساس باز کشت از اعمال میجان وا بان بر خدا 524 ٣ * وتعليم غسلها وكذاشتن وستها ورفاستن مروه كان وجزاى ٣ ابدي را نهيم و وكرفدا اجازت وهند اين را خواهيم جا آورد •ك آناني كه يكبار منور شدند وانعام أسماني الهشدند ودرروم القدس ه شربك ميبورند * وخوش مره يافتند كلام فدا وحقابق عالم ٢ أينده را * چون افتند محالست كه ويكر بار آنها را بتوبه آرند چون ٧ يسر فدارا بسبب خوو بار صليب ورسوا مي نايند * كه زميني كه شرب مناید آن بارانی را که مکرر بر او می بارد ومنزاید کیاه نیکوئی را بجهت آن اشخاصی که ور آن کار می کنند از خدا مرکت می باید * وآنرمین که میرویاید فار وشتر فاررا بی قرب ٩ وزريك بنفرين است وانجامش سوختن است * ليكن اي محبوبان هرچند باین طور تکلم میکنیم آبا ور حق شما چیزائی بهتر ١٠ و قرين منجات را يقين واريم "أرآنجاكه خدا بي انصاف نيست که فراموش کند عمل شمارا وان محنت محبتی را که ور راه اسمش ظاهر کروید بخدمنی که میکروید ومی کنید مقدسازا " * وارزومندي كه هريك ازشما مهين كوشش ا وراستكمال اميد ١١ خورتا انجام ظاهر سازو * تا آنك تغافل نوزييره بلك پيرو باشيد ۱۳۰ انانی را که از ایان و تحمل وارثان وعدها شدند + رانرو که خدا وقتی که ابراهیمرا وعده نمود چون سوکند بعظیم تر از خور نمی ١٦ توانست خورو بخور سوكند خورد * وفرمور بيقين كه من بركت ميرهم تورا بركت واونى ويبوسة تورا منتشر ميكنم منتشر كروني ١١ *بس صبر جا آورده آخر مواعيد كرويد * كه سوكند مي خورند مروم برزركتر از خود وأنهارا وراثبات اشباسوكند قاطع تامي اختلاف

۱۷ میشود * ور جمین وتیره چون فدا خواست که ظاهر تر سازد ۱۸ استحکام اراوهٔ خور ا بوارنان وهده سوئدرا ورمیان آورد * ناآنکه بسبب وو امر که تغفیر بدیر نیست و وروغ کفتن فدا ور آنها معالست اطمینان کالم حاصل شود با آکه کر بختیم که تا بان امیدکاهی تمسک جوئیم که بیش روی با کذاروه شده است و قرو میرود ۴ و آنوا واریم چون لنکر جان که راسخ و پایدار است و فرو میرود ۲۰ باندرون برده ۴ که آنجا بیش روی با رفته است عیسائی که از صف ملکی صدق تا باید کاهن بررک است

باب هفتم

ا واین ملکی صرق کی پاوشاہ سلیم وکاھن خدای متعال که ہر خود ابراهیمرا هنکامی که از شکستن پاوشانان باز می کروید دور ۲ حق او رعامی خیر نمور * وابراهیم عشر از بهمهٔ مال را باو وار واول اسمش ور ترجمه ملك صدق است وبعد ملك سليم نيز يعنى ٣ شاه ارام * بي بدر وماور وبي نسب ونه آغاز آيام ونه انجام عمر واشت بلك مشاء است بسر خدارا كاهنى است وأيمي » *وملاحظه نائيركه اين شخص چه قدر صاحب مرتبه بودكه تررك ره مدران ابراهیم نیز وه یک از غنائم ابوی داد * وبدرستی که آن اشخاص از بنی لاوی که کهاند را می بابند مکم وارند که بحسب شریعت وه یک را از قوم بکیرند یعنی از براوران خور ٤ هرچندك ايشان نيز از صلب ايراهيم جاري شده اند * ليكن آنکس که ور نسب ؛ آنها وافل نبود عشررا از ایرامیم کرفت · ومالک مواعیرا وعای خبر نموو * وبی شک وشب بررکتر ور حق

بعبريان * ٧ *

^ كوچكتر وعاى خير مينايد * ايسجا اشخاص مروني عشررا اخذ منا نیدا ما ورآنجا کسی که چنین مشهود شده است که زنده است و * وكوا لاوي كم حال عشررا مي كيرد بوساطت ابراهيم او نيز واو ۱۰ * زانروکه هنگامی که ملکی صدق بوی بر خورد در پشت پدر خود ١١ بور * پس اكر كمال وركمانت لاوئي مي بود كه قوم بهان متشرع شدند ويكر چ احتماج بودكه از صف ملكي صرق كاهني ١١ ويكر مبعوث شود واز صف أرون كفته نشود * وأكر كهانت ١٣ منتبرل شوولارم كه شريعت نيز متبدل ميشود * كه آن شخص كه اينها ورشان او كفته شد ور طايفة شريك مي بودكه مينج ۱۷ کس از آنطایفه به قربانکاه نرویکی نمی نمود * و محقق است که خداوند ماطلوع فرمود از بردراک موسی از کهانت ور بارهٔ آن فرقه ١٥ جيم نفرمود * واوضح از آنست كه بمشابهت ملكي صرق ١١ كاچنى ويكر مبعوث ميشود +كه با شريعت ادكام جسمى نمي آبير ١٠ بلكه أ قوت حيات لايرالي محمد شهاوت ميدهدك تو تا بابد ١٨ كاهن هستى از صف ملكى صدق *كه نسنح حكم مقدم ميشود ١٩ بعلَت ضعف ويعمصر فيش * زيراكم جني چيزرا شريعت كالل نکرو جرآنکه واخل کننده بور امید بهتری را که بعلت آن نزویکی ٢٠ بخدا ميحوئيم * وچون مقرر نشيد بدون آنك سوكند خورده شود ٢١ * وكاهنان ويكير بدون قسم مقرّر ميشوند وليكن أو باسوكند از ظرف آنکسی که باو میکوید که خداوند سوکند خورد و خلف نخواهد ٢٢ كروك توتا بابر كاهن هستى از صف ملكى صرق * عيسى بهمين ٢٣ تفاوت ضامن بهمان بهتر مي باشعر * وآنهائي كه كاهن ميشوند

۱۹۷ بسیارند رانروک مرک مانع از بقای ایشانست ۱ آما او بعلت ۱۵ آن ۱۰ ابد باقیست کهانتش بیزوالست ۴ لهذا او آن ۱۵ آن اشخاص راکه از راه او بیش فدا می آیند میتواند که تا آخر الام ناجی سازو از آنجا که بیوسته زنده است که بجهت آنها شفاعت وبیضر و تا آلووه وار کناه کاران متفرق ورفیعتر از آسمانها باشد ۱۷ و و وی کاهنان بزرگ احتیاج ندارو که هر روز اول بجهت کنامی خود قربانی کنراند وبعد بجهت کنامی خلق زارو که ۱۸ چون خور از کنرانید این را بیک وقعه بجا آورد و شریعت آن اشخاص را بر کهانت می کاروک خنعف وارند اما کلام موکد بسولند که بعد از شریعت بوده است بسراک تا بابد کلال است

باب هشتم

ا خلاصهٔ کلام که ما چنین کاهن بزرگیرا واریم که بر بمین تخت مقدس وآن خیمهٔ حقیقی را که آبرا فداوند نه آنکه خلق برپا نموده ساست * وچون هرکاهن بزرگ مقرر میشود که هدیها وقربانهها را بکراند پس ضرور بود که این شخص را نیز چیزی باشد که بکنراند به * واکر بر زمین میبودی کاهن نبودی زارو که محسب شرع کاهنان هستند که هدیها را میدرانند * وایشان بجا می آرند ملازمت آجرا نمونه وظل علوانست چنانچه بر موسی مناشف کشت هنگامی که میخواست بیاراید خیمه را که میکوید خبروار

باش که بسازی جمرا موافق آن نمونه که ورکوه بتونشان واوه ٢ شده بود • وقال أنك بافته أست منصب افضل را چنانجه واسطه است بیمان بهری راکه مرتب است بر وعدهای بهر چ اگر پیمان اول بی عیب بودی جائی بههت پیمان دیگر مطاوب مُكِشت * واز راه عيجوئي بآنها كفت اينك مي آيد أن الميم كم من فداوند مبفرمايد بر خاندان اسرائيل وخاندان ٩ برورا يهان نورا بانجام خواهم رسانير *نه چون آن يهان كه با بدران آنها نمودم هنکامی که آنهارا وستکیری نمودم که از زمین مصر بيرون آرم چآنها ليمان مرا استوار نداشتند ومن واكذاشتم ١٠ آنهارا فرمان خدا ولد است * وخدا وند ميفرمايد اينست آن پيمان که بعد ازین اوان با فاندان اسرائیل خواهم بست که احکام خودرا ور فهمهای آنها خواهم نهاد ویر دلهای آنها نقش خواهم نمور ومن خواهم بور ایشانرا خدائی وایشان خواهند بور مرا قومی * وريكر بهيكس آلشناي خود وبراور خودرا معلّم نخواهد بود ونخواهد كفت فلافدرا بشناس زيراكه ابشان از اونبي واعلى تامي مرا ١٢ خواهند شناخت * چمن بر تحروبهاي آنها رحم خواهم نموو وديكر ١٠٠ ياو تخواهم نمود كنابان وخطاياي آنهارا * وچون يعان نورا وكر منابدا ول را کهنه ساخته است وانچه کهن وسآخورو است ور

باب نہم ۱ خلاصه آن خیمهٔ نخستین مشتمل بود برآ واب ملازمت ویبرایهٔ ۲ مقدس ونیوی ۴ چه ساخته شدور آن خیمه نخست جائی که ورآن

چراغدان ومایده وکذارون نانها بود واین مسمی است بمکان ٣ مقدس * ويس اران يروه وويم است كه مسمى است بمكان ه اقدس و که مشتمل بود بر قربانگاه زرین وصندوق میمان که اطرافش طلا كوب بور ووران بود حقة طلائي از من وعصاى ه ارون كه شكوف مود وود لوج بيمان * ور الاي أو كروبيم إ ولال كه برتخت مرحمت سالم افكن ميبووند وحال هنكام تفصيل ٧ أيهانيست * خلاصه اين چيزا باينقسم آرسته شره كاهنان بخيمة اول بجهت اوای لوازم فدمت دایم در می آیند * لیکن در خيمة ثاني كاهن بررك تنهاور سالي كيبار ور مي آيد نه بدون خونی که جههت خود وخطایی مردم میکنراند * وروح القدس باین اشارت میمورکه با دامی که خیمهٔ اول بر پاست راه مکان و القرس كشاره نيست وآن مثالي است تا مرتى كه ورآن مرت هدايا وقربانيهارا ميازرانندنمي توانندك عباوت كنندهرا ١٠ كالى كرواند ور نفس * چونك مشتمل است بمحض خورونيها وآشآميرنيها واقسام غسلها وادكام جسمى تا وقت اصلام ۱۱ * لیکن مسیح حاضر شده کاهنی بررگ بحبهت منافع آینده ور خیمهٔ بررکتر وکاملترکه از وست ساخته نشیره است یعنی ١١ أرين قبيل صنائع نيست * ونه إ خون ترا وكوسالها ملك إ خون خود مکیار بمکان اقدس برآمده بعد از آنکه فدیه ابدی ایافت ١١٠ واكر خون كاوا وبرا وفاكستر كوسالة مارة چون بر ألورهكان ريخة ميشور أنمقدار طهارت مي بخشيدكه صفاى جسم عاصل ۱۷ می شود * وبطریق اولی خون مسیح که بروح ابدی خودرا قربانی

مب**یرا**غ بیش خدا کنرانم**ی**ر نفس شمارا از اعمال مرده صفا نخواهید ٥٠ نخشيد كه تا خداي زندةرا عباوت عاتيد * وازين روست كه واسطة بيمان نواوست تا ازمركى كه واقع شد بحبهت مكافات خطایائی که ور بهان اول شده بود خوانده شده کان بیابد وعدهٔ ١١ ميراث ابريرا * چ هرجائي كه وصيتي متعقق ميشود ناچار ١٧ است از مرك وصيت كننده * زانروكه وصيت ثابت ميشود از مرك وماواميك وصيت كننده زنده است استحكام ندارو ١٦ * پس ليمان نخست نيزيي خون متحقق نشيد * كه چون موسى كفت بمكى احكام شرعى را يبش بمكى خلق كرفت خون كوسالها وبزارا باأب ويشم قرمز وروفا وهم بركتاب وهم بر ٢٠ معجموع قوم باشيد * وفرموركم اينست خون آن يهان كه خدا با ٢١ شما بسته أست * ونيز بر خيمه ويمكي اسباب فدمت باشير بر ٢٢ جمين سياق * وقريب لخام آلوه كيها بحسب شريعت از ٢٣ خون پاک مي شور ولينحون رازري عفوي نمي شود * پس ضرور بود نمونهای اشیائی که در آسمانند باین قربانیها وخود اشیا ١٧٧ آسماني با قربانيهاي افضل از اين المصفى شوند و مسيم بمكان مقدس كه از وست ساخته شده ونمونة مكان حقيقي است ورنیامد بلکه باصل آسمان ورآمد وحال برای ما پیش خدا حاضر ٢٥ ميباشد * وضرور نبووك خوورا مكرر بكفراند چنانجه كاهن بزرك ٢٧ هرساله با خوني كه از غير اوست بمكان مقتس ور آيد * زانروك إيست بارا أز آغاز جهان وفات كروه باشد وحال آنكه ور اواخر ٧٠ أيام كمبارظاهركشت تاكناه را بقرباني فوونا چيزسارو وأنجنان

۲۸ که بر مروم کیبهار مرون وبعد از آن جزا بافتین مقرر است *مسبیح نیزبر همین وزیره کیبهار بحبهت بر واشتن کنالان بسیاری قربان شد ودیگر بار معرا از کناه ظهور خواهد نمود بحبهت نجات آنان که منتظرند اورا

داب دهم

ا وچون شریعت را طلال خوبههای آینده است نه اصل شبیه امور بود پس هركز نمي تواند كه كالم كرداند مقربان رأ بآن ۲ قربانیهائی که پیوسته هر ساله میکنرانند * ورنه چرا کنرنیدن آنهارا موقوف نمی کروند زانرو که عباوت کننده کان بعد از آنکه ٣ كيبار مبرا شدند ديكر ياد كنابان نمي نمووند * ليكن آن قربانيها ٣ هرساله ياو اركنابان منايد * چمكن نيست كه خون كاوا ه وبزيا كناه را رفع نايد * لهذا چون بدنياً ور مي آيد ميكويدك تو ۲ قربانی وصدیرا نخواستی وبدن را برای من آراست * وار ٧ قر اليهاى غام سوفته وهديهاي كناه راضي نبوري * وانكاه من كفتم اينك مي آيم چنايجه ور صحيفة كتاب ور شان من ۸ مکتوبست تا ای فدا مشیت تورا جا آرم * وچون ور آنچه مذکور شهر ميكويدكم قربانبي وهدبي وقربانبي بان تام سوخته وهداياي کناانرا نخواستی ومال آنکه اینها ور شریعت کزرانیده میشور و * آنكاه فرمور اينك من مي آيم نا اي خدا مشيت تورا جا آرم ١٠ اول را نفي مينايد تا ايرا البينة البير * پس ما كه جمرا البيم با كذارون أ ال بدن عيسامي مسيج مكيمرتب بآن مشيت مصفًا شديم * وبدرسشي ك هر کاهنبی هر روزه بریا ایستاره خدمت مناید ومکررآن قربانیهارا

بعبريان * ١٠ *

۱۲ میکنراند که هرکز نمی توانند کناازا رفع نایند و لیکن او یک قربانی جهت کنانان کنرانیده تا باید بروست راست خدا ١٣ نشسته است * ومن بعد منتظر است تا وشمنانش لكد كوب ۱۷ با بهای او کروند و که بیک قربانی تا باید کالمی کروانیده است ٥١ مصفها شونده كانرا * ونيز روح القدس برأى ما شهباوت ميره مد ١١ زانروكه بعد از آنكه قبل كف * كه خداوند ميفر مايركه اينست آن پیمان که بعد ازآن آیام با آنها خواهم بست که احکام خوورا ور ولهای آنها خواهم نهاو وور فهمهای آنها خواهم نکاشت ۱۸ * فرمورکه کنانان وخطالیی آنهارا ویکر یاد نخواهم آورو * دجانی که ١٩ آنهارا آمرزش است وبكر قرباني بجهد كناه نيست * پس ای براوران آر آنجا که جرأت داریم بداخل شدن ور مکان ٢٠ مفترس بسبب خون عبسى * از طريق جدير حي كه بجهت ما از ٢١ ميان پروه يعني از جسم خور مهميا نموره است * ونيز كاهن ۴۴ جرك را بر فاندان فدا * ليش آئيد با ول صاوق وايان كالم ودلهاراً ارضمير مدياك نائيد وبدن را بآب پاك شست وشو ۲۳ کروه * واعتراف بامیرواری را محکم نکاه واریم زانروکه امین ۱۲۷ است وعده كننده * ويكديكررا نكرسة بمحبث واعمال نيك ٢٥ تحريك نائيم * واجتماع با بكركررا چنانچه بعضي را عاوتست ترك نكنيم بلك وعوت فائيم بلكه بيشتر فائيم از آنجاكه مي بينبيركه روز ۲۷ نرویک میشور * زیرا که بعد از شناختن راستی هرکاه عمرا کناه ۲۷ نائیم ویکر قربانی جهت کناه باقی نیست * بلکه هست نوع انتظار هیب ناک جزا وغیرت آنشی که مخاصاترا فرو خواهد

۲۸ کرفت * وکسی که شریعت موسی را تحقیر کروه است برو سه ٢٩ شاهد بيريغ كشة مي شوو * يس ملاحظه غائيدكه أن شخص بچند مرتبه لابق عذاب شدیدتر است که پسر خدارا با پال نموده است وخون لیمان را که بآن منزه شده بود تحقیر نموده است ۳۰ وروم توفیق را جبر نموده است * زانروکه میرانیم که کیست که كفته أست كه فدا ومد ميفرايرك مراست انتقام ومنم كه تلافي ۱۳ خواهم تمود ونيز ايك خدا وندار قوم خود حكم خواهد نمود * وبرستهاى ٣٠ خداى حى كرفتار شدن بغايت هواناكست * وياد آريد آيام سابق ا هنامی که منور شده متحمل شداید کران از عذابها می ٢٠٠٠ بوريد * چ بسبب فضيحتها وعزابهاك تأشاكاه ميبورير وچ بسبب ۲۸ رفاقت آنانی که با ایشان چنین سلوک میشد * از آنجا که ور نبدای من شریک بورید واراج اموال خوررا بخوشوفتی می پذیرفتید از آنجا که میرانسند که مال نکونر وپاینده نررا در آسمان ۲۰ بجهت خود وارید * پس دوری مکرینید از آن اعتقادی که ٢٦ مقرونست باواش عظيمرا مك لابد است از صبرى تأك ۳۷ مشین فدا را جا آورده وعده را بچنک آرمیر * زانرو که قلیل مرتبی آنکس که آمرنست ظهور خواهد نمود وتاخیر نخواهد ورزید ٣٨ * وعاول از ابان زيره خواهد بود واكركسي متنفر باشد من ۳۹ ازو ول خوش نخواهم بود * لیکن ما از متنفرین نیستیم تا هلاک شوي بلكه از مؤمنينيم تا جازرا مالك باشيم باب يازدهم

ا وا بان اعمار بر چیزائی که مرجو آست ومرئی کننده چیزای نا

٣ مرئى مى باشد * ومتقدمين از جمين شهرت يافته اند * وبسب ا بان مي ماييم كه عوالم از امر خدا آفريده شده است بنوعي كه م اشیائی که مرئی میشود از چیزای ظاهری بوجود نیامد * وابیل بسب ایان قرانی شایست تر از قائن را بیش خدا كنرانید وبسبب این از عاولان شمروه شد وخدا هدیهای اورا تحسین. *قرمود وبسب آن ایان باوجودیکه مروه است تا حال مذکور* ه مي شوو * ويسبب ا بان اخنوخ منتقل كرويد تا مركرا نديد ويافت نشد زانروكه خدا أورا منتقل نمود وبيش از انتقالش ٧ شهرت بافته بودك خدا از وى راضى است * وجر با بان ممكن نیست که از کسی راضی شور چه آنکس که توجه بخدا می ناید باید این را معتقد باشدکه او موجود است وآنانی را که در طاب وی كوشش مفانيد مكافات كننده است * وبسبب ايان بووكه نوجرا منکشف کشت از اموری که غایب بود که خوف کروه كشتى بحبت نجات فامان خور سافت واين سبب اهل منیاراً ملزم سافت ووارث کشت راستی ا بانی را * وبسب ا بان بورک ابراهیم محرو وعوت اطاعت نمود بنوعی که بیرون آمره رفت بسوی مقامی که مقرر شهره بود که مالک کروو پس ۹ بیرون آمر ومال آنکه نمیرانست که بکجا میرود * وبسب ا بان بود که در زمین موعود غریبانه می بود چون در زمین بیکانه وخیمه نشین میبود باسحاق ویعقوب که در میراث آن وعره ١٠ شريك بورند * رانروك انتظار مي كشبير شهر با بنباري اك ١١ معمار وأباو كنندة وي فداست * وبسب ايان يورك ساره نيز

قدرت بر كرفتن نسل مافت وزائيد بعداز هنكام جواني زانروك ١١ امين وانست وعده كننده را * لهذا ار آن يك شخص كه او نیز چون مروه بود چون عدو ستاره ائی آسمان وچون ریک اب ۱۰۰ ورای بیشهار است متولد کروید * واینهمه ورایان مروند وحال آنکه نیافته بورند مواعبدرا لیکن آنهارا از دور دیده یقین نمورند وتهنيت كفتند ومعترف بورندكه چون بيكانكان ومسافرانند ور ١١٠ زمين * وآناني كه چنين تكلّم منايند ظاهر است كه ورجستيوي ٥٠ وطن ميناشند * وأكر مقصد أنها أن وطني بود كه از أن بيرون ١١ أمره توزيد هرآئينه قررت رجعت بأنجارا واشتند * ليكن شايق وطن بهترين ميبوزند يعنى وطن آسماني را لهذا حذا از خدا خوانده شدن بجهت أنها منفعل نميكرود بلكه بحبهت أنها شهرى ا ١٠ آراسته است * وبسب ا بان بود كه چون اراهيم تجربه كروه شده اسحاق را بیش كنرانید بلی بكانهٔ خودرآ كنرانید آنكس كه ١٨ وعده ارا يافته بور * كه بوى كفته شدكه نسل تو از اسحاق خوانده ١٥ خواهد شد * زاروك چنين مي پداشت كه فدا برخيرانيونش از مرده کان قاور است بلکه اورا از اینجا ور مثل پیرا نمود ٠٠ * وبسب أيان بودكم اسحاق ورحق بعقوب وعيسو ور بارة ٢١ چيزاي آينده وعامي خير نموو * وبسبب ايان بوركم يعقوب هنگام رحلت هریک از بسران بوسف را وعای خیرنمود وبر سر ۲۲ عصای خود مسجره نمود * وبسب ایان بود که بوسف در هنگام وفات وكر فلاصى بنى اسرائيل را نمود ور بارة استخوانهاى خود ٢٣ حكم كرو * وبسب إيان بووكه چون موسى تولد يافت بدرانش

اورا سه ماه پنههان كروند زانروكه اورا وجسه يا متند واز قدغن بادشاهي ۲۲ نترسیزید * وبسب ا بان بود که چون موسی بزرک شد ۲۵ خواست که بسر وختر فرعون خوانده شود * که بیشتر بسندبدک ور مصيب إ قوم فدا شريك إشد تا آنكه وركناه أشهر بسبب ۲۶ خوش كنرانى تليل مرتى * ومي پنداشت تفضيح مسيحي را وولتی عظیم تر از خزاین مصر زانرو که ملاحظه مینمود مکافات را ٧٧ * وبسب ا بأن بودكه مصر اكزاشة واز خشم باوشاهي نينديشمير ٢٨ كه كويا غير مرتى را رويت محوره مستقل بود * وبسب ايان فصح وفونياشى آبنا نهاركه مبادا مهلك اولاو نخستين برآنها ۲۹ وست نهر و وبسب ایان بودکه از ورای سرخ چون از فشکی عبور نمووند ومصریان چون قصد نموده بکردات عنا افتارند ۳۰ * وبسبب ایان بود که قلعهای بریجا بعد از آنکه هفت روز بدور الم آبها كشتند منهدم شد * وبسب ايان بووك رحاب فاحشد ا بى ا يانان ورم لكه شريك نبووكه جاسوسانرا بسلامت راه ميداو ۲۲ دويكر چه كويم كه مرا وقت كفاف نخواهد كرو اكر ور بارة جدعون وبارك وسنسون ويفتنح وواؤو وسموئيل ويتغميران خواهم كه ٢٠٠٠ مفصلا بيان نام و كه ايشان از راه ا بان برممالك غلبه نموده وبه نيكو كروارى برواخة وآخذ وعده كرويدند ورهن شيرانوا بند نمووند ۲۰۰۷ وشدت آنش را فاموش نمووند واز ومهال شمشير رستكار شدند وار ضعف بقوت رسيزند وور جنك ولير شهزند ولشكراى ٣٥ بيكا كانرا منهدم ساختند * وزنان مردهكان خودرا بافتند برفاسته وبعضى كوفته كشته وخلاصى الحبول فكروند تاكه قيامت بهتررا

۳۹ یابند * وبعضی ور امتحان استهزا ا وتار بانها بلکه بنده ا وحبسها ۱۳۷ افتاوند * وسنکسار شدند وار اره وو باره شدند وور شکنج افتاوند وار شمند ویر بوشین آواره ۱۸ می کشتند ویدوسته محتاج ومتألم بودند وید رفتاری میدیدند * و با وجود آند جهان لائق آنها نبود ور سیابها و کوه افتار اوشکافهای ۱۸۰ زمین متواری میبودند * واینها جمه بسبب ایمان مشهور شدند ۵۰ وویده را نیافتند * که فدا ور بارهٔ ما چیز نیکوتری را ملاحظه می نمود تا آنکه آنها کاروند جدا ارا

باب دوازدهم

ا پس ما نیز چون چنین ابر شاهدان را کرداگرد خود داریم هر کرانی وكناه وامن كيررا بيرون كروه ور ميان معبني بي فستكي بدويم * ويدوسته وربنا كننده وكالل سازنده ور أبان يعني عيسي نكران باشیم که او بجهت آن سروری که منظورش بود خبالت را نا چیز انگاشته صلیب رامتحمّل کرویر وبر وست راست تخت خدا م بنشست * وملاحظه غائميركه اين شخص چه قدر آن مخالفتي كه کناه کاران را در ضد وی بورمنحمل می شد مباراکه ول شکسته ۸ شده نسته شوید * وشما ور جهار باکناه تا بخوریری هنور نایسناوه ه ابد * وآن فاطر جمعى را فراموش كرويدك شماراً چون بسران مخاطب منايدكه اى يسر حقير مشار تنبي فداوندرا وجون تورا ٤ مازم سازو فسة مشو * زانروكه هركس راكه فداوند ووست وارو تنبيم منايد وناريانه ميزند هر بسرراك مي بديرو واكرشا متحمل تنبیه می شوید خدا باشما چون با بسران رفتار نموره است *زانرو

^ كه كدام بسر است كه بدر اورا تنبيه نمي نايد واكر نيابير آن تنبيراك تامى ورآن شريك ميباشند حرامراوهكان ميباشيدنه و مرزیدان *واکر بدران جسمی را منه خود داشتیم ومنقاد شدیم آیا ١٠ بطريق اولى مدر روماني خودرا اطاعت نكنيم وزيره باشيم بررستى كه جبهت فايرة قليل مرتى بنوعى كه مظنه واشتند تنبيه مبنمورند واو بحبهت نفعی که تا ور تقدس وی شریک باشیم ا تنبيم منايد * وهر تنبيهي ور أنحال چيز فرح الكيزي نيست بلك الم ألود است لكن بعد ميوة برارام راستي را بجهت أنهاك ۱۱ تربیت کروه میشوند اروی بار می آورو * لهذا وستهای افتاوه ۱۳ وزانوای مست شده را استوار ناتید * ورایی راست را بجهت ما پهای خورآ راسته نائمیر تاکه آنچه لنک است تلف نه شور بلکه ١١ صحيح كرود * ويصلح جوئي با جمه سلوك غائيد وتقدس نيزك ١٥ مبرون أن جهي كس خلافدرا نخواهد ديد * وهوشيار باشيرك مباوا كسي از توفيق فدا قاصراً بد ومباوا اصل مرارت سركشيره ۱۶ اضطراب بار آرو وبسیاری بدین جهت آلوره شوند * ومباوا كسى زانى وبى مالات باشر مانند عيسوكه بجهت يك خوراك ١٧ حق خلافت را تسليم نمود * كه ميرانيدكه چون بعد خواست كه وارث برکت کرود 'باجابت نرسید زانرو که مجال تغیر ور آن ۱۸ نیافت با وجود آنکه باشکها جوای آن میبود * وشما نرسیدید بکوهی كه مس كروشور واتش سوخة باشد وبظلمت وتاريكي وطوفان ١٩ * وآوار صورا وصداى اتفهاكه شنوندهكان خواستندكه ويرسخني ٢٠ زياد برآن مذكور نشود * زيراك آنچه مذكور مي شد نمي توانستند

متحمل شدكه أكر حيوان هم كوه رامس غايد سنكسار شوو بالبره ۲۱ برا و فرو کروه شوو * وانیکه رؤیت آنقدر هولاک بود که موسی ۲۲ کفت من ور فایت هراسان ولززانم * بلکه آمرید بکوه صبئون ٢٣ وبشهر فداى حى اورشليم آسماني وهراران هزار فرشته * وبديوان عمومی وکلیسیای زاوه! می نخستین که وراسمان مرقومند و بخدای ١٧٧ حاكم جمه وباروام راستان كالم كرديده * وواسطة العان نوعيسي وخونی که ریخته شرکه سخنانش بهتر از آواز خون ابیل است ۲۰ * وهوشیار باشید که از حرف زننده خودرا اعراض نمائید زانروک چون آنان که خوورا از آنکس که بر زمین حکم میفرمود دور وإشتند رستكار نشدند بطريق اولى هركاه ما خوورا از آنكه از آسمان ٢٦ تكلُّم مي نايد دور نائيم رستكار نخواهيم شد * چه أنونت أوارش رمین را جنبانید وحال وعدہ نمورہ است که من یکبار دیگر ۲۷ رمین را نه بهنهائی ملکه آسمانرا می جنبانم * واین سنحن که مکیبار ویکر وانست بر کنده شدن چیزای جنبنده چون چیزائی ساخته ٢٨ شده تا آنك چيزائى كەنمى جنبد باقى ماند * لهذا ماكه بچنك مى آريم مملك باثبات را بكيريم توفيق راكه بطور خوش آبنده خداراً ۲۹ بنده کی نائیم احل وزور که خدای ما آتش فرو کیرنده است باب سيزدهم

ویدوسته محبت براورانه باقی ماند* ومسافر پروری را فراموش نه ناتید زانرو که بعضی بدین سبب لاعن شعور فرشتگان را مهانی
 نموده اند* و نبدیارا با رآ رید چنانچه کویا با آنها ور بند بورید و آنانی را
 که بدسلوکی می بینند چناکه خود تان در بدن هستید * و نکاح در

مهمه خلق معرز است وبسفرا آلوده ليكن زانيان وفاسقان را ه فدا جزا خواهد واو * وزر يرستي را طريق خود مساريد وأبحيه هست قناعت نائمیر زانرو که او خو**ر فرموره است که من مطلقًا تورا** ٧ وانخواهم كذاشت وهركز ثورا ترك نخواهم نمود * بنوعي كه ما خاطر جمع شده مبتوانيم كفت مرا خداوند معاونست نخواهم ترسيد از أحيه خلق بامن مينايند * وريشوا بان خودرا كه بكلام فدا با شما تكلم نمووند بخاطر آريد وانجام كنران ايشان را ملاحظه نمووه ایشان را ور ایان پیروی نائید * وعیسای مسیح ویروز وامروز ۹ وتا بابد بهانست * واز تعلیمهای کوناکون غریب مترور مشوید زاروكه بهتر است كه ول از توفيق استوار شود نه از فوراكيها كه ١٠ آناني كه اين قسم رفتار ميمووند مهيج سود نيافتند * وما قربانكاهي را واريم كمآناكه ملازم لخيمه ميباشند مازون نيستندكه ازآن خوروه ۱۱ باشند * که آن حیوانهائی که خون ایشان بجهت کناه به وست کاهن بزرک بمکان اقدس برده میشود بدنهای آنها بیرون از ١٧ خيمه كاه سوخته ميشور * لهزأ عيسى نيز تا آنكه قومرا بخون خور ۱۳ مقدس سازو در فارج از دروازه عذاب کشید * پس ما بیرون ۱۷ از خیمه کاه بنروش نرویم ورسوائیش را متحمل کرویم * زانرو که نداريم ور اينجا شهر فايدارى را بلك ور تفحص شهر مستقبل ٥١ ميهاشيم * بس بوسيلة أو هدية تنجيرا بعني قاصل لبهاراكم ١١ اعتراف بسمش باشد يبوسة نرو خدا كبفرائيد * وار احسان وفيرات غفلت نورزيد زانروكم خدا از چنين هدايا راضي مي ١٧ شور * واطاعت وانقيار نائيد پيشوايان خودرا زانروك أنها جانهاي شمارا باسبانی می ناید چون آنان که حسابرا بس میرهند ا آنکه بخوشوقتی این را جا آرندنه با نالدار آنجاکه این بحهت ١٨ شما بيمصرفست * وورحق ما وعا نائيد زانروك مرا يقين است که نیت فیر واری ومی فواهیم که بهر صورت بخوبی رفتار نموده ۱۹ باشیم * وبیشتر الناس می نایم تا اینکه بشما باز برودی برسم ۴۰ * وخداکی آرام که شبان تررک کوسفندان یعنی خدا ذید ما عیسی را ۲۱ بخون پیمان جادوانی از مروه کان برخیزانید مشارا ور هر عمل خيرآ راستساروتا آنكه اراده اورا بجا أريد ودرشما بديدا روآنجه ور حضورا و خوش آینده می باشد بوساطت عبسای مسیم که اورا ٢٢ تا ابد الابار حلال باو المين * واي براوران ارشما استدعا مينايم که کلام نصیعت آمیزا به بروید که مختصری بجهت شما ور رساله ٢٣ نوشتم * ومستحضر باشيرك تيموثيوس براور خلاصي إفته است ۲۲ واکرزود آید بهمراهی اوشمارا ملاقات خواهم نمود * وجمد بیشوا بان خوورا ومقدسانرا سلام برسانير واهل اتبليه عارا سلام ميرسانند ٢٥ * با جمكي شما توفيق أو آمين

نامة عام يعقوب حواري

باب اول

ا از بعقوب نبدهٔ فدا وعیسای مسیم فداوند بدوازده فرقه که براکنده ۲ اندسلام باو *ای براوران چون ورامتحانهای کوناکون مبتلاشوید

٣ كمال سعاوت خود وانير * كه ميدانيدكه تجربة ا ياني صررا ور م شما بديد مي آرو * أما بايدك صبرعل را كالمي كند تا آنكه تام وغام ه باشيد دور جيج چيز ناقص نباشيد * واكر كسي از شما ناقص العقل باشد أر فدائي ستوأل غايركه بسخاوت بهمه ميرهد ٧ وسرزنش نميدهدك يوى واوه خواهد شد * لين بايدك با بان ستوال عليه وشك نداشة باشد زانروك مشكك چون موج ٧ وراست كه از او ميغلطر وبهم ميخورو • واين شخص ظن نبرو ٨ كه از خلاوند چيزي خواهد يافت * وشخص وو ول ور تامي ٩ رفتار خود مترازلست * بس براور زليل از عرت خود فخر نايد ۱۰ * ووولتمند از ولّت خود زانروك چون كل علف ور كذار است ا * زانروك چون آفتاب بحرارت طلوع نايد وعلف را خشك نايد كاش مى افتدودس صورت او زائل مى شود بهمين وضع ١١ وولتمند نيز ور اطوار خود يرمروه خواهد كشت * وخوشاهال أن شخص که امتحازامتحمل است زانرو که بعد از آزمایش خواهد مافت آن تاب حیاتی را که خدا بمحبان خور را وعده فرموده است ۱۳ * وکسی در امتحان مطلقاً نکوید که خداست که مرا امتجان می نابد زيراكه نه خدا از بديها امتحان مي شود ونكس را امتحان مي نايد ۱۲ * وهركس كه ور امتحانست از خواهش خود كشيره شده وكول ه خوروه است * وبعد خواهش آبستن شده ميزايد كناه را وكناه ١١ كبال رسيره مركرا بديد مي آرد * اي برادران معبوب من ١٧ فريفته مشوير * كه هر انعام نيو وهر احسان كالل از بالست ونارل میشور از ابو الانوار که نزر او زوال وظل انعکاس هم

۱۸ نیست * واراوه فرموره بکلام حق مارا تولید نمود تا آنکه از ۱۹ مخلوقات وی چون نو بر باشیم * پس ای براوران محبوب من هرکس در شندین تند دور گفتن کند دور خشم سست ٢١ باشد * از آنجاك خشم خلق عدالت خدارا جا نمي آرد * بس هرقسم كنافت وفضلات بدرآكده بفروتني كالم كاشترا يبديركم ٢٠ جانهاي لشمارا تواند رانيد * وبكلام على كننده باشيد نه اينك خوورا ۲۲ کول زوه جمین بشنوید ویس یک آکرکسی شنورهٔ کلام باشد وعل نابد شخصي الاكه صورت ظاهري خودرا ورآئيه مي ٢٢ نكرو * از آنجاكه خوورا نكريست ورفت وفي الفور فراموش نموو ۲۵ که چه قسم شخصی بود * لیکن آنکس که ورشریعت کالم آرادی غور نايد وقرار كبرو ارانجاكه شنزمره فراموش كننده نيسب بلكه ٢٦ ججا آرندهٔ عمل است ور اطوار خود خوشوفت خواهد بود * واكر شخصی ورمیان شما اندیشهٔ وینداری کند وحلو زبان خودرا کایرو ٧٧ بلكه ول خوورا فريهد ويداري آن شخص عبث است * وين بآب بیغش نزد خدا وپرراینست یتهان وزنان بیوه را ور هنگام تنک روستی تفخص نموون وخورا از آلایش ونیوی پاک نكه واشتن

باب دوتم

ا ای برادران من با ظاهر بینی جمع نهائید ایان خداوند ما عیسای ٢ مسيم فديو جلال را * چه اكر مروى با انكشترى طلا وكسوت فاخر ٣ بمجلس شما ورآيد وآيد مفلسي نيز با لباس مندرس * وير صاحب کسون فاخر توجه نمووه میکوئیدکه اینجا بفرانسرک

نيكوست ومفلس را ميكوسيرك ورانجا بايست يا ور ابنجا ور ۴ تحت قدمکاه من بنشین "آیا ور مایهٔ خود طرف کیری مفهوره اید ه ومميزان زشت سيرنيستيد * بشنويداي براوران معبوب من آیا بر نکزیده است خدا مفلسیان این جهان را که در ایان توانكر ووارث أن ملكوت باشندكه بمحبان خور وعده فرموره ٩ است * ليكن شما فقيران را تحقير نموره ايداً يا صاصبان مكنت شمارا مجبور نمی نایند و محکمها شارا نمی کشند * آیانها نسبت با آن نام کرامی که برشما خوانده شده است کفر نمی کویند ٨ * وبتحقيق كم أكر شما ور شريعت ملوكانه ترقى نمي غائبير بر وفق آن نوشته که نوآشنای خوورا چون خود روست وار نیکو خواهید و مموو * آكر نكاه بظاهر نائيد كناه مي ورزيد ومثل تجاوز كنندهكان ١٠ بشريعت مازم ميشويد * زانروك أكركسي تام شريعت را نكاه ا وارد ویک جروراً سهل انکارد جمراً مقصر شده است * زانروک آنکس که فرمود که زنا مکن نیز فرمود قتل مکن پس اگر تو زنا ١١ نغائبي ليكن قتل كنبي أز شريعت تجاوز نمودة مشما حرف زميد وعل نائید چون کسانی که از شریعت آزادی حکم خواهند یافت ۱۳ م که حکم بیرحم بکسی خواهد شد که رحم نموده است ورحم بر حکم ۱۱ برتری میکند مای براوران من چه مصرف دارد اکر کسی کوید ٥١ كه ايان وارد وعلى مداره آيا ايان اورا رستكار تواند نمود • اكر ١١ براور يا خواهري برهنه باشد ومحتاج بكران يوميه باشد • ويكيي ارشا انهارا كويد برويد بسلامت وكرم سيرشويد والمجتلج بدنرا ٧٠ آبها ندهد چه نفع حاصل خواهد شد * بهمان طور ا بان نيز أكر إ

۱۸ عمل نباشد خورس بیروج است *شاید کسی کوید که تورا ا بانست ومرا عل تو ا بان را بی عل خوررا بر من ظاهر ساز ١٩ ومن از اعمال ا بان خور ابر تو ظاهر من سازم * تو اعتقاد واري ك خدا مكى است وخوب مكنى وشباطين نيز معتقدند ومي ۲۰ لرزند * ای مرد بوج آیا خواهی وانست که آیان بی عمل مرده ١١ است ١٦ يور ما ابراهيم از على عاول شمروه نشيد هنكاس كم ٢٧ بسرخود اسمحاق رأ بر قربانكاه كنرانيد * بس ملاحظه عاكم ا بانش ٢٣ باعل مورر بور وارعل المانش كالم كشت * وأن نوشة كالم کشت که میکوید ابراهیم بر خدا ایان آورو وبعدالت منسوب ۲۲ شد وخلیل اللّه خوانده 'شد * پس ملاحظه ناتید که مروم از ۴۵ اعل عاول شمروه میشوند نه از ایآن بتنهانی * وبهان قسم آیا رهاب فادشه نیز از عل عادل شمرده نشد چون ۲۷ فرستاره کان را باندرون برد واز رآه ریکر بیرون نمود * که آنچنان که چسم بیجان مروه است بهان وتیره ایان بی عمل

باب ستیم ا ای براوران من بسیار مفتی مباشید که خود میرانید که عقوبت ا اشد برها واقع می شود * از آنجا که وراکثر امور جمکی سهو می نمائیم واکر کسی ور کلام سهونه نماید کاملست ومی تواند که نام بدن را جو جلوکیری نماید * چنانچه جلوارا ور وان اسپان میکنراریم تا بارا اطاعت نماید و قامی بدن آنهارا می کروانیم * و نیز کشتیها هر قدر سرر باشند و اوای شدید آنهارا براند باسکان کوچک هر وا

ه که میل نافدا باشد میروو * بهان وضع زبان عضوی کوچک است وسخنان عظيم بسيار ميكويد چنانجه افكر أتشى چ مقدار اجناس راكه ميسوراند للزبان آتش وعالم نا راستى است ور میان آعضا وچنانست زبان که تامی بدن را آلوره و کیشیرا افروفته سازو وافروفتكى خووش أزجهنم ميباشد * هرنوع وحوش از طیور وحشرات وحیوانات بحرمی از طبائع انسان رام شده ^ اند ومي شوند * ليكن زبان را اينچ كس از خلائق رام نمی تواند و كرو وسركشي است شرير ومملو آز زهر قاتل است * بهان ما هذا وبدررا ستايش مي نائيم وبهان لعن مي نائيم مرومراك ١٠ شبه خدا ميهاشند * پس از يكرهن وعا ونفرين بيرون مي آيداي " براوران من نباید که چنین شود ۱۰ یا از یک شکاف چشمهٔ ١١ شيرين وتلخ بيرون مي تراود *آيا براوران من آيا ورخت أحير بر زينون مي تواند آورد يا تاك الحيررا المحنين البيج چشمه آب ١٦ شور وشيرس را مي تواند آورو * أكر كسي ورميان شماست كه صاحب عقل وتمتيز باشد ظاهر سازد اعمال كنران نيك خودرا ۱۱ با افتاره كمي عاقلله * أكر ور ول واريد غيرت وتندفوني ونزاع ٥٥ جوئي را فخرنه غائيد ووروغ مكوئيد برخلاف راستي * ار آنجاكه اين ١٦ عقل از بالا نازل نمي شود بلكه زميني ونفسي وشيطانيست * چه هر داکه غیرت ونزاع میباشد فتنة هر عمل ناشایست موجود ١٧ است * ١١ آن عقل كه از بالاست اول باكست وبعد صلح جو ومليم وافتاوه ويراز رحم وثرات نيك وبيطرف وارى وبيريا ۱۸ * وَتَحْمُ صِداقت ورآرام بالله مي شود براي آنان كه آرام طلبند

يعقوب * ١١ *

باب چہارم

ا ورمان شما مزاعها وجدالها اركجا ميشود آيا از اينجا نمي شوويعني ۲ از خواهشهای شما که ور اعضای شما ور نزاعند * طمع مینائید وألك نمى شوير قتل وحسد مفائيد وبجنك نمى توانير آورد وجنك وجدل مناتيد وبسبب آنكه استدعانمي كنيد بجنك نمي ٣ أريد * بلي سنوال منائيد ونمي رسد زاروك بعقيرة نا خوش ۴ ستوآل می نانید تا ورخواشهای خود بکار برید * ای زانیها وزانسیا آبا نمیدانیر که روستی ونیا وشمنی خداست بس هرکس که ه خواهد با وِنها ِ ووست باشد وشهن فدا كشة است * آيا چنان کمان ربید که کتاب لغو می کوید که روح که در ماسیت انجام و طمعش تا حسد است * ليكن توفيقش افزونست كه ميكويد خدا متكبران را مخالف مي نايد وفروتنان را توفيق مي بخشيد * پس خدارا آطاعت نمائید و با ابلیس مفاومت نمائید که از شما ٨ خواصد كريخي * ١ خدا نرويكي نائيركه او با شما نرويكي خواصد نمور وستهارا یک سازیدای کناهکاران وولهارا صاف سازید ٩ اى وو وله كان * غصه خوريد وناله وكريه كنيد خندة شما بغصه ۱۰ وراحت شما رنبج مبذل شود * پیش فداوند کوچکی نائید که او ۱۱ شمارا بلند خواهد ساخت * وامی براوران با میدیکر بدنکوتمیر وهرکس که بر براور بد میکوید ویه براور حکم مناید بر شریعت بد میکوید وار شریعت حکم منابد واکر بر شریعت حکم منائی ججا ١١ آرنده شريعت نيستي لبلكه خود شارعي * يك شارعست ك تواند رانبیر وهلاک نمود تو کیستی که برگس وبیر حکم مناثی

يعقوب * ١٠ * ٥ *

۱۳ * بشنویر شماک میکوئیدک امروز وفروا بفلان شهر میرویم وور آنجا

۱۲ یک سال بسر بروه تجارت میکنیم ومنتفع میشویم * وخال

آنامه نمیدانید که فروا چه میشود زانروکه چیست حیات شما

۱۵ بخاریست که اندکی ظاهر است و بعد غایب میشود * شمارا

بخلاف آن باید گفت که اگر خداوند بخواهید زنده خواهیم ماند

۱۷ وچنین خواهیم کرم * لیکن حال شما از راه پوجی فخر منائید وهر

۱۷ آن فخری که چنین باشد بداست * خلاصه کسی که نیکی کرون را

واند و بجا نیارد باو کناه است

باب پنجم

المصاحبان وولت الحال روآريد وكريه وناله كنبير بعلت اين ٢ مصيبتها كه برشما وارو ميشود * روات شما كنديره مي شود ۳ ورفتهای شما به بید خورده می کرود * طلا ونقرهٔ شمارا موریانه ميخورو وموريانة آنها شهارتيست برشم واحسام شمارا نيز چون ٨ آتش ميخورو وجهب روز اربسين خود كنحيية نهاره ايد * اينك فربار می کند مرو مروورانی که کشتهای شمارا وروبدند وشما ارآنها باز واشتيد وفربارآنها بكوشهاى فدا فد صباوت رسيره است ه * تنعم وعيش وعشرت ور زمين نموده ايد ودلهاي خودرا فربه ٧ نموريد چنانك بجهت روز وايح أست * بر عاول تحكم نموريد وبقتل رسانیدید دادشمارا مقاومت نمی ناید * پس ای براوران صبر غائيد تا آمرن فداوند اينك وهقان انتظار عمر كرانيهاى زمین را می کشد و جهت آن صهرمناید تا هنکامی که نابد باران اول وآخررا *شما نیز صبور بوده فاطرای خودرا جمع وارید که آمرن

و خدا فند نرویک است *ای براوران با یکیکر کله نمانید مباواکه ۱۰ برشما تحکم شوو اینک داکم بر در درداره ایستاده است ۱۰ ای برادران من نمونه بكيريد ورتحمل بدسلوكيها وصبر آن يبغمبران را ١١ كم باسم فدا فد حرف روه اند * الحال متحملانرا تهنيت ميكوئيم صبر ایوبرا شنبیره اید ومقصود خداوندرا یافته اید که خداوند ١١ بغايت مربان ورحيم است * واي براوران من فوق مه اینست که آسمان وزمین وهر نوع ویکر سوکند مخورید بلکه بلی ۱۳ شما بلی ونه شما نه باشد مبارآ که زیر محکم افتدید * واکر کسی از شما ستم ويده باشد وعا غايد واكركسي فاطراحمع است زبور بسرايد ١٨ * وأكر كسى ورميان شا سار باشد كشيشان كليسيارا بخواندكه o بر وی وعانموده وار وی باسم خدا دند روغن مالند * ودعای ا بانی رنحوررا خواهد رانير وأورا فلاوند خواهد برخيزانير واكركناهي ١١ كروه باشد مرزيده خواصد شد " ونزو كيديكر بخطايا اقرار ناتيد وور حق بدير وعا نائيد تاكه رستكار باشبركه وعامي محكم شخص ۱۷ عاول بسیار مؤثر است * ایلیاس که انسان چون ما صاحب حواس بود وعا نمود که باران نبارو وسه سال وشش ماه باران ١٩ نباريد * وباز وعاكرو واسمان باريد وزمين براً ورو * اي براوران اكركسي ورميان شما ازحق منحرف كردد وكسي اورا بأربركرداند ۲۰ * بداند که شخص که کناه کاری ا از کمراهی او بر کرواند نفسی ا ارقعل رانيره است وبسياري اركناان را يوشيره است

نامة عام اول بطرس حواري

باب اول

بطرس دواری عبسای مسیر بمسافران براکنده ور بنطس ۲ وکلند وقدیرُف واسد وبیتوند که برکزیده شده اند بر حسب مشیت ارای فدای پرر بوسیلة تقدیس روح تا به اطاعت وخونیاشی عیسای مسیم باشند (میخواهد) که فضل وآرام ریاد ٣ برشما بار * مبارك بار فدا وبدر فداوند ما عبساى مسيح كه بحسب وفور رحمتش مارا بار باميد زنده توليد نمود بوسيلة م برفاستن عيساي مسيم آر مره كان * بميراث بي فساو ونا الوره ه ونا پژمروه که بجهت ما گذاروه شده است ور آسمان مکه بقدرت خدا وبوساطت ايان در امن هستيم السيدن أن ٠ نجاتي كه آشكارا ميشور ور ايام آخر * لهذاشما خرم ميباشير باوجور آنکه حال مرت قلیلی از راه ضرورت ور امتحانهای کوناکون ۷ عملین هستید * تا آنکه آین حجت ا بان شما که از زر فانی بسیار كرامي تراست بعد ازتجربه كروه شدنش بآتش ورهنكام ظهور ٨ عيسى مسيح با تحسين وتكريم وجلال يافت شور * كه شما اورا نديده روست ميداريد وحال آنكه هنوزنمي بينيد اورا ليكن ايان آوروه ور وجدید بخرمیک بیرون از تقریر ویر از جلال است * وغايت ايان خووراكه نجاب جانهاست مي يابيد * وور بارة

نامة أول أز بطرس * ١ *

أن نجات برقت تفحص وتبسس نمووند يغميراني كم اخبار اا نمووند ار آن توفيقي كه ورنشهاست * واستفسار مي نمووند كه چه وقت وچنوع وقتی قصر است آن روح مسجراک ور ایشان بود هنامی که شهارت میداد بر علابهای مسج وجلالهای ١١ متعاقب أن *أنهارا مكشوف شهركه نه بحهت خور بلك ما ميرسانيوند أن خبرائي راكه حال خبر از آنها يافتيد بوساطت آنانی که بروم القدسی که از اسمان فرستاده شدشمارا مژوه واوند ١٠٠٠ وفر شتكان شوقهمند مي باشندكه ورين چيزا غور نايند * لهذا شعا كمراى ول خوورا استوار نموده هوشيار بووه اميد كالمل واشته باشد برای آن توفیقی که در هنگام ظهور عیسای مسیحی برشما ۱۱ می آید * چون ابای اطاعت ممثل مباشید خودشهای ١٥ پيشين خوورا كه ور اوان جهاك واشتير * ملك چنانچه مقرس است آن که شمارا وعوت نمور شما نیز ور جمیع افعال خود ١١ مقدس باشيد * ارآنجاكه مرقوم شده است كه ماك شويد زانرو ١٧ كه من ماك هستم * وجون أنيس راكه شما بدر مي خوانيدي ظاهر بینی بر حسب فعل هرکسِ حکم منیاید هنگام توقف ١٨ خوورا باحتياط مصروف نائيد * زيراك ميدانيدك بجيرالي فاني چون طلا ونقره رائی نبادته ار اطوار باطل خور که بتوانر مشما ۱۹ رسیده بود * بلکه بخون کرانبهای مسبحکه چون بره بی عیب ۲۰ وبی واغ بود * ومعین شیر بیش از بنای عالم لیکن برای شما در ٢١ اين آيم ظاهر كشب مك بوساطتش ايان مي اوريد بر خدائي که اورا از مروه کان بر خیزانمید وجلال بخشمید بنوعی که ایان

نامة أول از بطرس * ١ * ٢ *

۱۲ وامیدشما بر خدا میباشد * وجانهای خودرا باطاعت براستی از قدرت روم پاک نموده تاکه محبت براوری بی را بس بادیگررا ۱۳ بساده لوحی و بغایت و وست وارید * رازوکه تولد تاره بافتید نه از تخمهٔ فانی بلکه از تخمهٔ فیر فانی که عبارتست از کلام فداکه تا ۲۸ مابد رنده و باقیست * را زوکه هر بشری چون کیاهیست و جمیع جلال فلق چون کل کیاهست کیاه بومرده کشت و دخمیع جلال فلق چون کل کیاهست کیاه بومرده کشت ده و افضایده کشت کاش میشرده واره شده است

باب دويم

ا پس هرنوع شرارت وهر قسم مكر وريا وحسد وهر قسم غيبدرا ٣ كزاشته * چون اطفال نو زاو خواهش مند شير صاف كلام باشيد ٣ تا ازآن پرورش ما بيد * چون مافت زايفة شما كه خدا زمر الخوش ۴ کوار است ۳ تا باو رسیره یعنی آن سنک زیره که خلفش ه مروود نموده انداماً نزو خدا مكرم ومعرز است *شما خود نيز چون سنكهاى زنده عمارت ميشويد چون فائة روداني وميكرويد كاهن مقدس تا قرانبهاى روحاني خوش آبندة فدارا بوساطت عيساي مسيح كرانيد * وورين مقدم فقره ايست وركتاب كه اينك من مي نهم ور صينون سنكي راكه سرزاويه ومكرم ومعزز است دھرکس کہ بر وی ا بان آورد خبل نخواہد کروید * بس نرد شماکه ایان وارید کرانبهاست وطافیارا آن سنکن که معمارانش روكروندسر زاويه وسنك كوبندة با وكوه مصاوم شره ۸ است * وایشان از راه بغاوت از کلام کوبیده میشوند و بجهت نامة أول از بطرس * ٢ *

٩ بمين وضع شده بوزيد " ليكن شما قوم بر كزيده وكهنة ملوكانه وطابعة مقدس وقوم فاص كشة ايد تا آناء اوصاف أنكس كه ١٠ شمارا از ظلمت بنور ناور خور وعوت نمور است جلوه وهير * كم سابق براین شعا قوم نبورید اما حال قوم خدائید ومرحوم نبورید ما این اا والحال مرحوم كشة الد *اى محبوبان استدعا منايم كم چون غريب ومسافر از خواهشهاي جسمي اجتناب ناميركه انها با ۱۲ نفس در نزاعند * ورفتار خود ا درمیان قبائل نیکو دارید تا آنکه بجای سخنان رشب ور حق شما چون از رشب کاران ور روز نوج خدارا تمحبير نائير ازكرواراى شايسة شماكه ايشان ملاحظه ١٣ منهايند * پس هر معين شده انسان را بجهت خدا وند أطاعت ۱۷ غائبید بارشاه را چون سرور * وحکآمرا چون کماشتکان وی بحبهت ٥١ انتقام از بدكاران وتحسين نيكوكاران * كه خواهش خدا بمين است که به نیک رفتاری جهل مروم داهل را منطفی نائید ١١ * وچون آزاوان بوره ليكن آزاديرا بهاية شرارت نمائير بلكه ١٧ چون بنده كان خلا باشيد * هركس را عرت نائيد وراوان را ١٨ روست واريد واز خدا بترسيد ولوشاهرا تعظيم نائيد * اي نوكران آقايان خودرا وركمال انقيار اطاعت عالميرنه بمين ١٩ آقايان مهربان وحليمرا وبس بلكه كم خلقاراً نيز «رانروك فضيلت است هركاه كسى مصيبت بنادق كشيره را بجهت ٢٠ فاطر فدامتحمّل كرور * چ فخراست أكركناه كروه وطرايج خوروه منحمل شويد ليكن أكر نمكي كرده ومصيب كشبيره متحمل ٢١ شونداين زو فدا فضيلت است * واز براي اين رفتار وعوت

نامة اول از بطرس * ۲ * ۳ *

کرده شدید زانروکه مسیم نیز در راه با عذاب کشید وبرای با نمونه

۱۲ کذاشت تا آنکه بر اثر پای وی روان شوید * که او کناه نکرد دور

۱۲ دانش تغلب بافت نشد * وجون بر او دشنامی واقع می شد

وشنام بازنمیداد وجون غذاب می کشید تهدید نمی نمود بلکه خودرا

۱۲ بانکس تسلیم می نمود که انصاف بحق می نماید * واو کنابان بارا

بر بدن خود بر وار متحمل شد تا که از کنابان عربان کشته در

۱۲ راستی زنده کردیم وبسب ضرب او شفا بافته اید * که بودید

چون کوسفندان کمراه لیکن الحال بسوی شبان وناظر نفوس

خود برکشتید

باب ستم

ا ونیز ای زنان شوهران خور ا بنوعی مطیع باشید که اگر بعضی كلامرا نكرويده باشند بسبب خوش رفتارى زنان بدون كلام ۲ ربوره شوند * چون به بینند رفتار شابستهٔ با حرمت شمارا ۳ * وآرایش شما ار رینهای ظاهری ار بافتن موامی سر ورین ٨ بطلا شدن يا يوشيون لباسها نباشد * بلكه شخص يوشيره باطنمي بزينت غير فانبي بمزأبه حليم وأسوده مرين شووكه أونزو خدأ ه كرانبهاست * وبهمين نوع ور الوان سلف زنان مقدس كه اميدوار بخدا مي بودند خودرآ آرايش مي نمودند وشوهران را مطبع ۲ می بودند * چون ساره که ابراهیم را مطبع بدر که اورا خدا فیدمیخواند وشما وختران أو ميباشير ما وامي كه نيك كروار باشيد واز بهيج صدمه فائف نباشيد * وشوهران نيز البشان بطور عاقلانه سلوك نائيد وماده را چون ظرف نارك تراحترام نائيد چون كساني كه

نامة اول از بطرس * ٣ *

 مر توفيق حيات هم ارشدكه مباوا وعالمي شما منقطع كروو * خلاصه شما ممكى يكدل وهمورو وبراور روست ورمم ول وخوش خلق و باشید و بدی جای بدی ورشنام جای وشنام باار نیاورید بلكه بالعكس وعاى خير نائيركه چنين ميرانيركه براى جمين ١٠ خواره شده ايدكه وعاى خيررا بميراث يابيد وأنكس كه طال است خوشی میابرا وخواهد که در روزکار خوشی بیند زبان " خورا از بدی از دارد ولهای خورا تا بتغلّب نکرود * از بدی ١١ اعراض غايد ونيكي غايد وصلح جو باشد واورا تعاقب غايد * زانرو که چشمهای فداوند برراستگارانست و کوشهای او درراه وعای ۱۳ آبها کشاوه است وروی فدافد بر خلاف بدکارانست * واکر ١١ شما نيكي را بيروي نانير آن كيست كه باشما بدسلوكي نايد ١٠ آما اكر ور راه راستى زحمت يابيد خوشوقت باشيد واز تهديرات ٥١ آنها مترسيد ومضطرب مشويد * بلك ور ولهاى خود فداوند فدارا تنزیه نامید وبدوسته مستعد باشبیرکه هرکس که ور بارهٔ آن امیدکه ١١ واريد ارشما سنوآل عايد با علم واحتياط جواب وهيد * وور نيكي نفس را نا مکرر نکاه واربدتا آنال که طعن می زنند بر رفتارنیک شما ور مسیم جای بد کفتن برشما چون بر بد کاران خول کروند ١٠ * چاكر مشيت فدا قرار كرفته باشدكه عذاب كشيم نيك كروار ١٨ معذب به است از بدكار * زاروكه مسيح ور راه كنافي وعاول ور راه ظالمان مکه بار عقومت کشید تا آنکه با را بسوی خدا آرد وحال آنکه از دینید جسم کشته شد واز دیثیت روم زنده کشت * وا درفته ندا کرد ارواحی اکه مسجون بودند * که مدتی باغی بودند

نامة اول از بطرس * ٣ * ٣ *

هنگامی که حلم خدا چند کاهی انتظار کشید یعنی ور آیام نوج ور اوانی که کشتی را میساختند وور آن چندی از نفوس یعنی ۱۱ هشت نفر از طریق آب ناجی شدند * وور مقابل آن با نیز از غسلی که آن شستن کثافت جسم نیست بلکه توجه قلب صمیم بخداست نجات می باییم بوساطت نر خاستن عیسای ۲۲ مسیح * که باسمان صعود نمووه ور وست راست خدست وفرشتکان واصحاب اقتدار وفدا فدان قدرت محکوم وی شدند

ا پس از آنجاکه از حیثیت جسم مسجه ور راه مامتحمل کشیدشما نیز مهان خومی را چون سلام برنائید که آنکس که جسماً متحمل ٠ مرك شداركناه بار مانده است * تا آنكه ويكر باقى عمررا ور جسم موافق خواهش خلق صرف نحائير بلكه بنوعي كه مشيت ٣ فداست * زيراك مرت ماضي ازعمر ما بس است بحبهت بجا آورون خواهش قبائل چون ور بی عصمتیها وشهوتها ومی يرستيها وشوخيها وشربها وبت يرستيهاى مكرده رفتار ميموريم ۴ * وتعجب مي نايند وسخنهاي لغو ميكونيد چون بينندكه شا تا ه بآن حد اسراف با آنها نمی روید * لیکن نزد آنکس که مستعد است که بر زندکان ومروه کان حکم ناید حسابرا پس خواهند ٧ واو * وازين روست كه مرده كانرا ناما باين مرده شدكه هرچند پیش مروم آر حیثیت جسم حکم کروه شده اند پیش خدا از ۷ حیثیت روم زنده باشند * وانجام هر چیز نرویک است پس بروشیاری ور وعا میدار باشید * خصوصاً آنام محبت کیمکررا

نامة أول از بطرس * ۴ *

بشدت واشته باشبير زانروك محبت كثرت كناانرا خواهد بوشانيد ١٠ * وبيدريغ يك ويكررا ضيافت غائمير * چنانك هركس كرامتي افت است آنرا بركران رسائد چون اظران نيك توفيق ١١ كوناكون خدا * وأكر كسى تكلّم نايد از مقولة كلام خدا تكلم نايد وأكر كسى خدمت ناليد خدمت نايد بحسب آن قوتى كه خدا عطا مي عايرتا آنك بهر صورت فلا تمجيد يابد بوساطت عيساى مسج ١١ اورا جلال وقوت تا ابد الابار است آمين * اي محبوبان تعجب نائيداز آن شدايد نارى كه بحههت تحربة شما ورشما واقع ۱۳ می شود که کویا چیز غریبی بشما بر خورده است * بلکه ازین روکه ور عذابهای مسبح شریک میباشید شاوبان باشید تا آنکه هنگام ١٥ ظهور جلالش با فرح ووجد باشيد * واكر از اسم مسيج رسوائي مي کشید خوشا حال شما زانرو که روح حبلال وخدا برکشما قرار می کیرو که o، از آنها می باید بد کوئی وازشهاتمجبیرا * پس هوشیار باشیر که کسی ارشا چون قاتلی یا وزوی یا بدکاری یا فضولی معذب نکروو ١١ * أكر چون مسيحي عذاب كشيد شرمنده نكروو بلكه ازين جهت ١٠ فدارا شكر نايد * رازوك وقت است كه از فانه فدا قضا بنا شود وچون آغارش ار ماست پس انجام آنان که مروة خدارا نه ۱۸ پریرفتند چه خوآهند بور * وچون نجات غاول برشواری است ۱۹ مبیرین و کناه کار کها رو خواه ند نمود * پس آنکسان که بر حسب ارادة خدا زحمت مي كشند نفوس خوررا با نيكو كرداري إو بسيارند چون بخالق امين

نامة أول أر بطرس * ٥ *

باب پنجم

ا از کشیشانی که ورمیان شما میباشند من که نیز کشیش وشاهد بر عذابهای مسیم وور جلالی که کشف خواهد کروید شریک ا ميباشم استدها مناميم أكه كلة خدارا كه ورميان شما ميباشد شبانی ناتیر ونظارت نائیر نه کرا بلکه طوعًا نه بجهت نفعی ٣ معيوب بلكه بخواهش ول خود * وبر ميراث خدا خدا وندى م محورتير بلكه نمونهاى كله بشوير * وچون شبان باشي ظاهر كرود ه تام پيوست تارة جلال را خواهيد يافت * ونيز جوانان پيرانرا اطاعت نائير ملك هرركررا مطبع باشير وملبس بانتاره كي باشبد زانرو كه خدا با متكبران مقاومت منايد وتوفيق مي بخشد ٧ افتاره كانرا * بس ور تحت وست قدرت فدا كوچكي نائير تا ٧ شمارا بهنكام معين سرفراز نايد * وجميع الديشة خوورا با وي منارید که او در بارهٔ شما فکر می ناید * دهوشیار دبیدار باشید زانرو که خصم شما ابلیس چون شیر غران می کرود در طلب کسی که و بلع ناید * باستواری ور ا بان اورا مقاومت نائیدزانرو که میدانید که براوران شماکه ور ونیا میباشند بانواع این بلاا بسر می برند ١٠ * وفدائي كه هر توفيقي اروست بوسيلة مارا خوانده است ك مسيح عيسى واخل جلال ابدي اوشويم بعد ازتحمل زحمت قليلي او خود استوار نايد واستوار كند وقوت بخشد وبإيدار نايد ١١ شماراً * اورا تا ابد الا باو جلال وقوت باو آمين * مختصري بهمراه سيلوانس كه چنين مي وانم كه براور امين أست بشما نوشتم باستدعا وشهاوت براينك مهين است توفيق حقيقي فداكه ور

نامهٔ اول از بطرس و ه و استاوه اید و و و بر کزیده کی شریجند شارا اسال و در بر کزیده کی شریجند شارا اسال میرساند و وشما یک میرا بهوسه محبت سلام ناتید و بر ممکی شماکه در مسیح عسی می باشیر سلام باد آمین

نامة ثانبي عام بطرس حواري



فهرست این کتاب مقدس

رساله وريم يولس بتسلنيقيان . 503	
رساله ٔ اوّل پولس بتيموثيوس 507	1.
رساله ٔ دویم پولس بتیموثیوس 516	83 .
رساله ٔ پولس بنیتوس ۲۵۰۰ میاله	135 .
رسانه ولس بفليمون 526	221 .
رساله ٔ پولس بعبریان 528	288 .
رساله ٔ عام يعقوب حواري 552	371 .
رساله عام اول پطرس حواري 561	405 .
رساله ً عام دويم پطرس حواري . 570	
رسالة ً عام اوّل يوحنّاي حواري . 576	437 .
رساله عام ثاني يوحنّاي حواري 585	459 .
رساله علم سيم يوحنّاي حواري . 586	470 .
رساله عام يهوداي حواري 587	ي 481
كتاب مكاشفات يوحنّاي الهي 590	489 .

انجيل متى آغاز ميكند در صحيفة ثفيح انجيل مرقس انجيل لوقا انجيل يوحنّا كتاب اعمال حواريان . . . رسالة ^ن پولس حوار*ي* باهل روم رساله عبولس حواري باهل قرنتُس رساله وويم پولس حواري باهل رساله ٔ پولس حواري بكلتيّان. رسالة ٔ پولس حواري بافسسيّان رساله ولس حواري باهل فيلي رساله عواس حواري بقلسيان رساله أول يولس بتسلُنيقيّان . 496

، برلا اهيا

ة قدر عم نم نكمتن ىتح جارف الى مت دقو اذه ديدجل اده على او الي جن الى اذه ى لع اركش كن عدي زمل ا

تن ا قرح التمل الله عن ورداق متن أو مه ن من عنص نع ملوء سمل بعشل المدعاسم عاجر ل المستدع الله عن ورداق متن أو مه ن مفرعت

بستكلا رشك المعجو، قعرسب لمعلا على قرداق نوكت ن أعلى المتدعاسم عاجرلا قرائم المعالم ا

نوكت يكل هجائحت يذل تقول او قوق ، ل اومال او در اومل عيمج على عامتد عاسم عاجر ل المعل الله على المعلى الله عام الله عام على الله عام على الله على الله عام على الله على الله

موي لك ساسا على عمد عاسي يذل قيرفان نم اعزج لكشت يتلا قدعاسما عاجرل الموي لك ساسا على عمد عاسما عاجرل المعالل يحورل معالم على عمد على عمري المعالل عموري المعالل عموري من على عمري مل عنت نأ

ركذتك او فوخل امدعل مهنم لك قدعاسم عاجرل ا عيش لك نع لوؤسمه او قالصل اهبوجا يذل الهل التن أن إ

نوكراشي مهنا قراز & لمعلاو ، مهتيامح مكناو ، مهعيجشت متلكضفت نأ مللا وعدأ & هيف

يتلا تابقعلا نم اهريغ وا هيحورلا تالوقال نم مهتيامح متلضفت نأ هلاا وعداً لفس اعلا اهنم عطب وا مهرضي نأ ناهمي

هذه نم اول عج ن يذل اسان لا اضي اركفن لدي دج دهع اذه مدختس المدنع يتدعاسم عاجر ل ا رارمتسال امهل عنستي عتحو اهيل علصي ن اعيطتس اعت ، قحالتما اعبطل ا سان ل انم ربك ددع قدع اسم يف

فوس كن أو ، (ديدجل دهعل) مسدقهل ملك كل بح ينيطعت تنك نا ملل وعدا مين وس كن أو يروب الله وعدا مين الملل وعدا مين المراعد الله عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة ا

لك يوننا هجاوت يهتلا تاابوعصل عم لماعتل الميفيك قفرعم يف يهتدعاسم عاجرلا نيرخال دعاسن نا ديرنو للخلف الحن الموي المنافرة المولى المنافرة المنافرة

مكتمك ح مدعاست زيذل او بختنمل اينورتكال اباتكل ايطعي ن المكل مل اوعدا

مكب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (ي تالئ اعو) اهترسا دار ف أ دعاسي ن ا مكل ملل او عدا

قرطل الكب مكل ةعباتمو لوبق ديرتو

ءايشالا اهذه ل عفا نا مكنم بلطاو ، تاقوألا هذه يف هيجوتلاو هعتمل النيطعي امك نيما ، عوسي مس إيف

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted. Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible. Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro. Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día. Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de J esús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?
Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible,
y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio
tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.
El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliere.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo. Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza. Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile
e di altretanta gente che prega spesso per noi e questo
ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de l esus, amen.

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
Porque nós necessitamos tanto prayer como possível,
e tantos como povos que praying para nós e este ministry
tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.
O prayer é uma das mais melhores maneiras que
você pode nos ajudar mais).

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott.

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen. Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortetund der verantwortlich für alles ist. Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen konnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jeden Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen.und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

Saying a Prayer never hurts.

Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you. Please help accurate versions to have wide circulation. Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.

Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived.

Please help their families to truly turn to the real J esus and to follow Him and understand His divine perspective.

Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of J esus, Amen,

A Christian
Understanding
of
Eternal Life

And how to know for sure that you are saved and going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

A Christian is someone who believes the following

Steps to Take in order to become a true Christian, to be Saved & Have a real relationship & genuine experience with the real God

Read, understand, accept and believe the following verses from the Bible:

1. All men are sinners and fall short of God's perfect standard

Romans 3: 23 states that For all have sinned, and come short of the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son J esus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on J esus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through J esus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in J esus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending J esus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in J esus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4.God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent J esus Christ to save us, even though we are sinners. So J esus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in J esus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in J esus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

fact that you have been given Eternal Life.

IJ ohn 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I J ohn 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

If you believe these verses, or want

If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord J esus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true J esus Christ I ask all these things now, Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, J esus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is that you do not need to change yourself. J ust C ry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent J esus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

Steps to take once you have asked J esus to come into your life

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)
- 2. Read Psalm 91
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read

them, so that you can understand more about God and how He works.
6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.
7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

Does the "being saved" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of 1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

...and if so , then how does believing save a person?

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in Salvation by Faith Alone in J esus Christ (ask us by email if this is not clear), then That belief saves them. Why? because they are magical? No, because of the sovereignty of God, because of what God does to them, when they ask him into their heart & life. When a person decides to place their faith in J esus Christ and ask Him to forgive them of

their sins and invite J esus Christ into their life & heart, this is what saves them - because of what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ - God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of J esus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that J esus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than J esus Christ - which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in J esus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are not sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that all sins separates us from God, even supposedly-small sins. We - as humans - tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are not good enough for J esus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ J esus because those people are -literally - unwilling

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for J esus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "For all have sinned, and come short of the glory of God" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote "For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through J esus Christ our Lord."(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

J ohn 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should <u>not</u> perish, but have everlasting life.

17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world <u>through him</u> might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through J esus Christ" or "in the name of J esus Christ".

God hears our prayers <u>because</u> we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of J esus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought him to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of <u>God through Christ</u>. (Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us <u>through Christ Jesus</u>.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached <u>through Jesus</u> the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God <u>through Jesus</u> Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* <u>eternal life through</u> <u>Jesus Christ</u> our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, let him do it as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly <u>through Jesus Christ</u> our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postcript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon the Textus Receptus are the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in the Mandarin Chinese Language (Older Traditional) that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of this edition is actually from 1880 which means it was produced prior to the Revised Version and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort, ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is the standard historic Koine Greek Text of the New Testament. (the work of J ohn w Burgon. Carston Thiede or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online Under "Textus Receptus". There are 2 or 3 usual versions of the T.R.:

1. The original 1550/51 Version of the Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne 2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833 and

3. The Textus Receptus in Koine Greek by Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength; they shall mount up with wings as eagles; they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

- I Thessalonians 4: 13_-5:6
- 13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.
- 14 For if we believe that Jesus died and rose again,
- even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.
- 15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.
- 16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:
- 17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them
- in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.
- 18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night.3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.
- 4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.
- 5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness.6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

- 25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.
- 2 And five of them were wise, and five were foolish.
- 3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:
- 4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.
- 5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.
- 6 And at midnight there was a cry made,
- Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.
- 7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.
- 8 And the foolish said unto the wise,
- Give us of your oil; for our lamps are gone out.
- 9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.
- 10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.
- 11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.
- 12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.
- 13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY
MARTYN 1837 is [exists] in Nine [9] Parts.
All are available online Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN 1837

Please Note:

Permission for YOU to Print, use, Post online, store, use, distribute personally or in file sharing systems, online or otherwise, is hereby granted

Permission to Post and Repost on your website is granted.

Note: Do not always depend on large "storage" websites. Do not depend on websites in the west. Sometimes large websites are affected and then no longer work. For your convenience and easy access, Please keep copies of this somewhere safe or on other servers

Some bulletin boards sometimes have storage space available.

Téléchargement = Free = No Cost Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and for our protection in all ways and at all times.

Thanks.

NOTE: This New Testament in PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY MARTYN 1837

is [exists] in Nine [9]
Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN
1837

Téléchargement Free = No Cost Télécharger - Gratuit A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. GOD IS BIG ENOUGH. ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson The Two Babylons by Hislop Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler Books by George STANLEY Faber Revelation by Clarence Larkin Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824) Works written by Imad-ud-din, of Umritsur TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity written by Maulvi Ahmad Ullah WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866 ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867 Original Sources of the Coran / Koran by Muir Books in French (Auteurs Français) = Alain Choiquier, Ralph Shallis, Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare, Accurate Edition: (Texte Recu) of the New Testament in Greek (Grec) = Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151) [Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب العهد الحديد لربنا ومخلصنا يسوع

(100 (100 (100

200

0 25 0

CCCO

110

200

200

03335

0-33-75

0 222

03333

03750

0333

03225

0 222

03775

033

0312

0 3

قد تُوجِرِ حديثًا من اللغة اليونانية

اسماد اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦		٠		ا تیموثاوس	KA		احعامائة	انجيل متى
٤			7	۲ تیموثاوس	17		er er	انجيل مرفس
			a.	ثيطس	72		tr-	انحيل لوقا
1			,	فليمون	11		tr .	انجيل يوحنا
17			H	العبرانيين	LY		u	اعال الرسل
0	*	٠	e layer	يعقوب	17	26	4	ارومية
0			y	١ بطرس	17		7	ا کورنٹوس
7		٠	,	۲ بطرس	17		ie.	ا کورنٹوس
0			<i>a</i>	ا يوحنا	7		tr.	غلاطية
1			,	۲ يوحنا	7			افسس
1				۲ بوحنا	٤			فيلبي
				speci	٤			كولوسي
77				رؤيا يوحنا	0		tr	اتسالونيكي
			وعشرون سنرا	وجميعها سبعة	7			٢ تسالونيکي